

نسل‌مانا

ماهنامه ناینیایان / سال سوم / شماره ۳۶ / آذرماه ۱۴۰۳



برخی عناوین این شماره:

- * ترویج روحیه کار داوطلبانه بهانه اصلی برگزاری جشنواره ملی گامینو
- * تبعیض در تبعیض: نگاهی به محدودیت‌های ورزش برای زنان ناینیا
- * ناینیایان و مواجهه با تمسخر و پنهان‌کاری دیگران
- * اهمیت بازی در رشد کودکان با آسیب بینایی
- * کشف تاریک و روشن‌های کم‌بینایی در همکاری بی‌مای‌آیز و آران‌آی‌بی

فهرست

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران

مدیرمسئول: امیر سرمدی

سر دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: حسین آگاهی، فاطمه جوادیان، اعظم

چلوی، آرمین رسولی، امیر سرمدی، جواد سقا، منصور

شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، صلاح‌الدین

محمدی، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، میرهادی نایینی‌زاده و امید

هاشمی

ویراستار: مریم قاسمی

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین یادکست‌ها: اشکان

آذرماسوله، امیر سرمدی، منصور شادکام، رقیه شفیعی

و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

عکس جلد: اعظم چلوی

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: سمانه فتاحی

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، سفارت استرالیا، شرکت

دانش بنیان پکتوس

ترویج روحیه کار داوطلبانه بهانه اصلی برگزاری

جشنواره ملی گامینو ۲

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آذر

۱۴۰۳) ۵

پیشخوان: مروری بر یادکست‌ها و نشریات

انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی ۷

اهمیت بازی در رشد کودکان با آسیب بینایی ۱۰

از آبادان تا سوئد (بخش دوم) ۱۲

خرید دسترسی‌پذیر با سرویس اینوسرچ ۱۵

بلا نیننی نابینا، (قسمت دوم) ۱۷

گزارشی از اردوی تنکابن به میزبانی انجمن

نابینایان ایران ۱۹

راه رفتن زیر باران (نابینایان و مواجهه با

تمسخر و پنهان کاری دیگران) ۲۳

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران

نابینا ۲۵

نفاشی با کلمات (قسمت یازدهم): علت توسعه

توصیف صوتی تجربی در ایران ۲۷

نمی‌توانم در جامعه نباشم: نگاه به من در جامعه

..... ۲۹

تبعیض در تبعیض: نگاهی به محدودیت‌های

ورزش برای بانوان نابینا ۳۱

رد پای نابینایان در ادبیات داستانی ۳۳

دایرةالمعارف و توسعه فرهنگی: بررسی احمد

رضا به عنوان نمونه ۳۴

اطلاع‌رسانی ۳۹

آگاهی ۳۹

نابینایان کمتر از سال‌های قبل بود و به تبع آن، شاهد کاهش آثار ارسالی از نظر کمی در مقایسه با دوره نخست جشنواره بودیم.

در این دوره، ۱۰۸ اثر توسط ۴۲ نفر در سه محور آموزشی - توانبخشی، فرهنگی - اجتماعی و تفریحی - سرگرمی به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. هر نفر در این دوره می‌توانست دو اثر را در سه محور جشنواره شرکت دهد. در حوزه آموزشی - توانبخشی که سرداوری آن بر عهده امید هاشمی بود، ۱۹ نفر شرکت کردند. ۳۵ اثر در این حوزه داوری شد که ۲۲ اثر توانست امتیاز بالای ۷۰ کسب کند و به مرحله دوم راه یابد. در این حوزه، مهدی ضیایی‌فر به نمایندگی از برنامه از امید تا روشنایی به عنوان شایسته تقدیر انتخاب شد. محمدحسین ملکی مدیر مجموعه مهارت‌هایی برای نابینایان، آرمن رسولی مدیر کانال آکادمی نابینایان و احمد حیدری، به ترتیب عناوین اول تا سوم را از آن خود کردند.

در حوزه فرهنگی - اجتماعی که سرداوری آن بر عهده امیر سپهری بود، ۲۶ نفر شرکت کردند و ۳۹ اثر به دبیرخانه ارسال شد. در این بین، ۲۰ اثر توانست به مرحله دوم داوری راه پیدا کند. در نهایت، مرجان حصاری رئیس هیئت مدیره شرکت کیمیا هنر ماندگار برای درج خط بریل بر روی محصولات سرامیکی این شرکت به عنوان شایسته تقدیر انتخاب شد. موسی عصمتی شاعر برجسته نابینا، اردشیر ایران‌خواه مدیر کانال یوتیوبی (can we) و شهروز حسینی به ترتیب عناوین اول تا سوم را از آن خود کردند.

در حوزه تفریحی - سرگرمی که سرداوری آن بر عهده فاطمه جوادیان بود، ۲۲ شرکت کننده ۳۴ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که ۲۵ اثر توانست راهی مرحله دوم شود. در این حوزه، گروه جیکو بابت توضیح‌دار کردن

ترویج روحیه کار داوطلبانه بهانه اصلی برگزاری جشنواره ملی گامینو امیر سرمدی: مدیرمسئول



مراسم اختتامیه دومین دوره جشنواره ملی گامینو که هدف اصلی آن تقدیر از فعالیت‌های داوطلبانه نابینایان در فضای مجازی بود، روز چهاردهم آذرماه برگزار شد. روزی که مصادف با روز جهانی داوطلب است و به همین بهانه، در این یادداشت، توضیحاتی در خصوص برگزاری دومین دوره جشنواره گامینو و نفرات برتر، ثمرات فعالیت‌های داوطلبانه نابینایان در فضای مجازی، لزوم توجه سمن‌های ویژه نابینایان به امور داوطلبانه و اثرات مثبت کارهای داوطلبانه می‌پردازیم.

ارسال ۱۰۸ اثر به دومین دوره جشنواره ملی گامینو

انجمن نابینایان ایران از سال ۱۴۰۱ با هدف حمایت فعالیت‌های داوطلبانه نابینایان در فضای مجازی، اقدام به برگزاری جشنواره گامینو کرد. در سال نخست، تولید محتوای نابینایان در یک بازه ۱۰ ساله (از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۱) مدنظر قرار گرفت و ۲۰۶ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. با توجه به اینکه در دومین دوره جشنواره گامینو تنها آثاری مورد داوری قرار می‌گرفت که از اول شهریور سال ۱۴۰۱ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ در بستر فضای مجازی منتشر شده باشند، محتوای تولیدی

نابینایان بوده است. از آموزش نرم‌افزارهای گوناگون که هر کدام به نوعی باعث توانمندی افراد با آسیب بینایی می‌شود تا افرادی که سعی دارند تخصص خود را با سایرین به اشتراک بگذارند که این امر باعث افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی در میان نابینایان شده است. چه بسیار نابینایانی که با آموزش‌های داوطلبانه هم‌نوعان خود، در جهت‌یابی و حرکت مستقل شده‌اند، مهارت‌های آشپزی و خودآرایی را آموخته‌اند و در فضای ایجاد شده با همین آموزش‌ها و مهارت‌ها، ازدواج کرده یا شاغل شده‌اند.

بسیاری از این اقدامات وظیفه سمن‌های ویژه نابینایان است؛ اما با وجود کم‌کاری‌های جدی انجمن‌ها در زمینه خدمات توانبخشی برای اعضای جامعه هدف، این نابینایان مستعد، متعهد و دلسوز در فضای مجازی هستند که با فعالیت‌های داوطلبانه خود، عملاً وظیفه انجمن‌ها را به دوش می‌کشند. خوشبختانه در سال‌های اخیر، بسیاری از کانال‌ها و صفحات فعال در فضای مجازی به صورت تخصصی بر روی برخی موضوعات خاص برای نابینایان متمرکز شده‌اند. این نشان می‌دهد که فعالیت نابینایان در فضای مجازی، هدفمندتر از گذشته دنبال می‌شود و روند رو به رشدی دارد.

لزوم افزایش فعالیت‌های داوطلبانه در

سمن‌های ویژه نابینایان

داوطلبان از جمله ارزشمندترین فعالان اجتماعی هستند که چه در زمان بروز بحران‌ها، چه هنگام کارهای عام‌المنفعه در کنار سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز دولتی و غیر دولتی هستند تا بتوانند در پیشبرد امور جامعه سهیم باشند. پنجم دسامبر هر سال برابر با چهاردهم آذرماه، برای قدردانی از انسان‌های داوطلب، روز جهانی داوطلب نام گرفته است. سازمان ملل متحد ابتدا در سال

کتاب‌های تصویری برای کودکان نابینا، کودکان بینا و والدین با آسیب بینایی عنوان شایسته تقدیر را به دست آورد. مسعود طاهریان، احسان مهرجو، میلاد خالص ماسوله، بنفشه کلانتری و غزل فتح‌اللهی از اعضای این گروه هستند. محسن صالحی مدیر پایگاه اینترنتی محله نابینایان، امیرعلی گل‌محمدزاده برای اجرا در رادیو بامیکو و محمدجواد فرخ نشاط مدیر مجموعه رادیو بامیکو به ترتیب عناوین اول تا سوم را به دست آوردند.

افزایش کیفیت آثار ارسالی به دومین دوره

جشنواره گامینو

علی‌رغم کاهش تعداد آثار ارسالی، شاهد افزایش کیفی تولید محتوای نابینایان در دو سال گذشته بودیم. چرا که معیارهای داوری در هر دو جشنواره تقریباً یکسان بود. در اولین دوره جشنواره گامینو از ۲۰۶ اثر ارسالی، تنها ۷۰ اثر توانست امتیاز بالای ۷۰ را به دست آورد. این در حالی است که در دومین دوره جشنواره از ۱۰۸ اثر ارسالی، ۶۷ اثر راهی مرحله دوم شدند که ۶۲ درصد آثار ارسالی را شامل می‌شود. در دومین دوره جشنواره گامینو، داوران توجه ویژه‌ای به اقدامات داوطلبانه نابینایان در فضای مجازی داشتند. پنج معیار داوری هر کدام ۱۶ امتیاز داشت. این در حالی است که داوران برای دومین دوره جشنواره، ۲۰ امتیاز را صرفاً برای فعالیت‌های داوطلبانه در نظر گرفته بودند. لذا در عمل، تنها کسانی به عنوان برگزیده انتخاب شدند که عمده تولیدات آنها در فضای مجازی، داوطلبانه و بی‌چشم‌داشت برای هم‌نوعان خود است.

نابینایان فعال در فضای مجازی وظیفه

انجمن‌ها را به دوش می‌کشند

در سال‌های اخیر، فعالیت‌های داوطلبانه نابینایان در فضای مجازی، منشأ کمک‌های بسیاری به جامعه

که این روزها بسیاری از مردم از نظر مالی در مضیقه هستند و با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، علی‌رغم میل باطنی خود شاید نتوانند به صورت مستمر در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت کنند. از این رو، روی به اقدامات نیمه داوطلبانه می‌آورند و بابت کارهای خود، دستمزدی به مراتب کمتر از عرف جامعه دریافت می‌کنند. شکل‌گیری این روند و توجه به آن می‌تواند برای بسیاری از انجمن‌ها مفید باشد. به طور کلی، بهره‌گیری از اقدامات داوطلبانه در سمن‌های ویژه نایب‌نایان به نسبت سایر انجمن‌های معلولان بسیار کمتر و کم‌رنگ‌تر است.

از آنجا که سمن‌ها از نظر قانونی امکان فعالیت اقتصادی ندارند و بودجه دولتی نیز به آنها تعلق نمی‌گیرد، همواره در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود دچار مشکل هستند. لذا بهره‌گیری از افراد داوطلب و فعالیت‌های داوطلبانه می‌تواند کمک بزرگی به این انجمن‌ها کند. امری که در تمام نقاط دنیا متداول است. کار داوطلبانه در بسیاری از کشورهای دنیا مصادیق پرشماری دارد و به یک جا و دو جا و ده جا محدود نمی‌شود.

بر اساس آمار رسمی، ۴۴ درصد افراد بالای ۱۴ سال آلمان به صورت داوطلبانه در جایی کار می‌کنند. چیزی که کار داوطلبانه را در این کشور بسیار جالب‌تر می‌کند، ساخت یافتگی و نظم آن است؛ به عبارت دیگر، این کار داوطلبانه، موردی یا مقطعی نیست بلکه کاملاً سیستماتیک، جهت‌دار، قالب‌دار و برنامه‌ریزی شده است و این، مدیون فرهنگی است که «مشارکت کردن» و «مشارکت دادن» جزئی از تار و پود آن شده است.

به طور کلی، کار داوطلبانه، بر پایه‌ی یک نیاز بديهی در انسان پایه‌ریزی شده است: همه‌ی ما به «مفید بودن» نیاز داریم. این نیاز، جزئی جدایی‌ناپذیر از روح

۱۹۸۵ یا ۱۳۶۴ شمسی این روز را معرفی کرد. نام کامل این روز، روز جهانی داوطلب در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

این روز زمانی برای به رسمیت شناختن تلاش‌های داوطلبان در تغییر جوامع، اقتصاد و محیط زیست است. در این روز، مردم به مسائل مهم جامعه‌ی خود نگاهی دوباره می‌اندازند تا بتوانند جایگاه و نقش خود را در آنها بیابند. هدف رویدادهایی که برای این روز انتخاب می‌شود، فقط تشویق دیگران به داوطلب شدن یک روزه نیست، بلکه تغییر نگرش و رفتار افراد است تا هر یک از افراد جامعه به عاملی برای تغییر تبدیل شوند و در ساختن دنیایی بهتر مشارکت کنند؛ اما به راستی سمن‌های ویژه نایب‌نایان تا چه اندازه توانسته‌اند اقدامات داوطلبانه را به سمت و سوی کارهای خود جلب کنند و از افراد داوطلب کمک بگیرند؟

انجمن نایب‌نایان ایران در کادر اجرایی دفتر مرکزی خود ۴ نفر نیروی انسانی دارد که بدون گرفتن دستمزد و به صورت داوطلبانه و تمام وقت، در این انجمن مشغول به کار هستند. برخی دیگر هم به صورت پاره وقت یا بسته به نیاز انجمن در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت می‌کنند. گونه دیگری از اقدامات داوطلبانه که انجمن نایب‌نایان ایران از آن بهره می‌گیرد، همیاری افراد بینا در برنامه‌های طبیعت‌گردی و کوهنوردی است که این افراد به عنوان هم‌نورد، در کنار نایب‌نایان قرار می‌گیرند تا به کمک آنها اعضای انجمن بتوانند در طبیعت پیمایش‌های طولانی داشته باشند یا موفق به صعود قله‌های مرتفع شوند. بی‌تردید، بدون حمایت این افراد اجرای چنین برنامه‌هایی ممکن نیست.

مبحث دیگری که امسال در روز جهانی داوطلب بر روی آن تأکید شد، انجام کارهای نیمه داوطلبانه است. از آنجا

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آذر ۱۴۰۳)

منصور شادکام: قائم مقام انجمن نابینایان ایران

مخاطبان گرامی در ادامه، مختصری از اقدامات انجمن نابینایان ایران در آذرماه را از نظر می‌گذرانید. شما می‌توانید مشروح این گزارش را با صدای مهندس منصور شادکام از وبسایت و کانال‌های نسل مانا در شبکه‌های اجتماعی دریافت کنید و بشنوید.

همان گونه که مستحضربید، رونمایی از دو کتاب «دایرةالمعارف نابینایی و نابینایان» و «تجربه‌گریزی مدیریتی در جامعه نابینایان» انجام شد و نسخه صوتی این دو کتاب در آینده‌ای نزدیک ارائه می‌گردد. همچنین تمهیداتی اندیشیده شده که این کتاب در دستگاه برجسته‌نگار هوشمند همراه در اختیار مخاطبان گرامی قرار گیرد و تلاش می‌کنیم نسخه بریل این دو کتاب را نیز برای علاقه‌مندان مطالعه تهیه کنیم.

برنامه اردوی تفریحی انجمن نابینایان ایران با حضور شصت نفر از نابینایان تهران و بیست نفر از نابینایان گرگان در شهر تنکابن برگزار شد.

هفته اول آذرماه در تقویم رسمی کشور ما هفته نابینایان نام‌گذاری شده است. از سال ۱۳۴۵ شمسی و در پی اقدامات دکتر محمد خزائلی در جهت اختصاص مدرسه ویژه به نابینایان، این هفته در تقویم کشور ما، هفته روشندان نام گرفت. آقای دکتر خزائلی اقدامات ارزشمندی در زمینه ارتقای فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی افراد نابینا از جمله پیشنهاد استفاده از واژه روشندان به جای کور انجام دادند که البته اکنون مخالفانی دارد و بسیاری معتقدند این واژه بار عرفانی دارد و نباید با بکارگیری آن به افراد نابینا تقدس بخشیده شود و بهتر است از واژه نابینا یا اصطلاح فرد با آسیب بینایی استفاده شود. در راستای اطلاع‌رسانی و ارتقای

ماست. حتی یک کودک دو ساله به حس «مفید بودن» نیاز دارد و وقتی حس می‌کند که می‌تواند برای دیگران کار مفیدی انجام بدهد، به سطح جدیدی از خودباوری و رضایت درونی می‌رسد، حتی اگر این کار برداشتن یک اسباب‌بازی از روی زمین و آوردن آن برای مادر باشد. این نیاز، چیزی نیست که با گذشت زمان از بین برود بلکه با افزایش سن پررنگ‌تر هم می‌شود فقط گاهی از ضمیر ناخودآگاه بالاتر نمی‌آید چون به آن اجازه شکوفا شدن نداده‌ایم یا نداده‌اند یا نمی‌دهیم یا نمی‌دهند.

بدون شک، در کشور ما هم افرادی هستند که به صورت داوطلبانه در کارهای خیر مشارکت می‌کنند ولی کار داوطلبانه در جامعه‌ی ما چنانکه باید و شاید نهادینه نشده است یا بهتر است بگوییم، اغلب به برخی حوزه‌ها (مثل کارهای خیریه‌ی خاص) یا مقاطع حساس (مثل زمان وقوع فجایع طبیعی) محدود شده‌اند و تعداد کسانی که به صورت سازمان یافته و منظم و به مدت طولانی در زمینه‌ای به صورت داوطلبانه فعال باشند، اگر کم نباشد خیلی زیاد هم نیست. چه قدر خوب می‌شود اگر در کشور ما هم بیشتر روی فرهنگ «مشارکت دادن» و «مشارکت کردن» کار شود: هم از طرف تک‌تک مردم و هم از طرف نهادها و سازمان‌های خصوصی و دولتی چون در کار داوطلبانه، مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی، «حس تعلق» و نیروی خودجوشی هست که گاهی حتی در یک شغل پرداخت شده وجود ندارد. بی‌تردید، این همیاری، یکی از اهرم‌های مهم برای بالا بردن استانداردهای زندگی و پیشبرد امور در جامعه است.



نسل‌مانا

برنامه‌ریزی صحیح و تأمین بودجه مناسب، وعده‌های خود در جهت رفع مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت را عملی کنند.

در روز چهاردهم آذرماه، اختتامیه دومین جشنواره گامینو برگزار شد. تعداد صد و هشت اثر در سه محور آموزشی و توانبخشی، فرهنگی و اجتماعی، تفریحی و سرگرمی به دبیرخانه جشنواره ارسال شده بود و در این برنامه به برگزیدگان این سه محور جوایزی اهدا شد. هدف ما از برگزاری این جشنواره، ارتقای فرهنگ استفاده از فضای مجازی است. خوب است فضای مجازی را به خدمت خود بگیریم و از ظرفیت‌های آن جهت آموزش و آگاهی بخشی هم‌نوعانمان استفاده کنیم. همچنین جلسه‌ای با آقای دکتر زاکانی، شهردار تهران داشتیم و ایشان وعده‌های خوبی به ویژه در حوزه اشتغال دادند که در صورت عملی شدن، به اطلاع شما مخاطبان محترم خواهد رسید.

در ماه گذشته، دومین دستگاه چاپگر بریل چاپخانه نسل مانا توسط یکی از سفارت‌خانه‌ها تأمین شد که در جهت تولید منابع مطالعاتی افراد نابینا بسیار مفید خواهد بود. در تاریخ هفدهم تا بیستم آذرماه، دوره آموزشی با محوریت اشتغال و کارآفرینی با مشارکت حدود چهل نفر از افراد نابینا و بینا در شهرستان ارسنجان برگزار شد که دستاوردهای مثبتی داشت و امیدواریم برنامه‌هایی از این دست در سایر شهرستان‌ها نیز برگزار شود.

در ماه گذشته تعداد صد و پنجاه سبد کالا و پوشاک نیز در بین اعضای انجمن در شهرهای گوناگون توزیع شد؛ مانند همیشه، پیگیر مسائل مناسب‌سازی محیط شهری، دسترسی‌پذیری سایت‌ها و برنامه‌های فضای مجازی، استخدام افراد نابینا و کم‌بینا و سایر مسائل و مشکلات افراد با آسیب بینایی هستیم و به محض حصول نتیجه در هر محور، حضور شما مخاطبان ارجمند اطلاع‌رسانی خواهیم کرد و امیدواریم بتوانیم خدمات ارزشمندی به جامعه هدف ارائه کنیم.

فرهنگی، مصاحبه‌هایی با شبکه‌های گوناگون تلویزیونی و رادیویی انجام دادیم و مسائل و مشکلات افراد با آسیب بینایی و لزوم اجرای قانون حمایت از افراد دارای معلولیت را مطرح کردیم.

هفته دوم آذرماه نیز هفته معلولین نام‌گذاری شده است. در اولین روز این هفته یعنی روز دهم آذرماه، به همراه آقای دکتر حسینی، مدیر محترم سازمان بهزیستی، جمعی از مدیران کل و مسئولان و کارشناسان و تعدادی از اعضای محترم انجمن، در حرم مطهر امام خمینی (ره) حضور یافتیم. آقای دکتر حسینی، طی سخنرانی خود، موارد خوبی را مطرح نمودند که امیدواریم در انجام آنها بکوشند.



در روز یازدهم آذرماه، در جلسه‌ای که با حضور آقای دکتر ربیعی، دستیار و مشاور رئیس جمهور در امور اجتماعی، رئیس سازمان بهزیستی و جمعی از تشکل‌های معلولان از جمله تشکل‌های نابینایان، ناشنوایان، اتیسم و... در محل سازمان بهزیستی کشور برگزار شد، حضور داشتیم. آقای دکتر حسینی در این جلسه نیز سخنرانی داشتند و مسائل خوبی از جمله طرح بهزیست محله را مطرح نمودند که قطعاً اجرای آنها نیازمند زیرساخت‌هایی است که اگر به درستی فراهم نشود؛ مانند طرح مثبت زندگی، پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت.

در روز سیزدهم آذرماه نیز به همراه حدود پانصد نفر از افراد دارای معلولیت با رئیس محترم جمهور دیدار داشتیم. با توجه به صحبت‌های آقای دکتر پزشکیان، آقای دکتر میدری و آقای دکتر حسینی در این جلسه، مشخص شد که ایشان اشراف کاملی به مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت دارند و امیدواریم با

استفاده داوطلبان بینا. نام این اپلیکیشن، «آران‌آی‌بی آیور»^۱ است که کاربران می‌توانند آن را از فروشگاه اپلیکیشن‌های اپل یا گوگل دانلود کنند. این اپلیکیشن قادر است ده تا از رایج‌ترین اختلالات بینایی را شبیه‌سازی کند؛ به طوری که کاربران از طریق دوربین گوشی، دنیا را آنطوری ببینند که دارندگان این اختلال می‌بینند. این امکان به داوطلبان کمک می‌کند دنیای افراد کم‌بینا را بهتر درک کنند و در ارائه کمک به این افراد، همدلی و تفاهم بیشتری از خود نشان دهند.

یکی دیگر از قابلیت‌های جالب این اپلیکیشن این است که کاربر می‌تواند یک هدست واقعیت مجازی را به گوشی‌اش متصل کند و یکی از انواع اختلالات بینایی را برگزیند تا دنیا را از ورای عینک واقعیت مجازی، همانگونه که فرد کم‌بینا می‌بیند، تجربه کند. علاوه بر این امکان، قابلیت دیگری هم در برنامه گنجانده شده، آن هم اینکه وقتی کاربر بینا یکی از انواع اختلالات بینایی را انتخاب می‌کند، اپلیکیشن می‌تواند چند تایی تمرین به او بدهد تا آن فرد ببیند که دارنده آن اختلال، کارهای مختلف را چگونه انجام می‌دهد. مثلاً از او می‌خواهد برچسب یک بسته را بخواند یا از یک خیابان شلوغ عبور کند. در بخش دیگری از این اپلیکیشن، فرد داوطلب می‌تواند قصه کاربران کم‌بینای واقعی را درخصوص اثرات اختلال بینایی در زندگی‌شان بشنود تا به درک کامل‌تری از دنیای کم‌بینایی دست یابد. این اپلیکیشن علاوه بر داوطلبان، می‌تواند به کار آن دسته از مجموعه‌هایی بیاید که می‌خواهند در قسمت خدمات تخصصی بی‌مای‌آیز عضو شوند و به همین منظور لازم است کسانی را در خصوص نیازهای افراد نابینا آموزش دهند.

در نسخه صوتی پیشخوان، ضمن واکاوی ابعاد مختلف این خبر، اشاره‌ای هم به سایر همکاری‌هایی که

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و

نشریات انگلیسی‌زبان ویژه افراد با

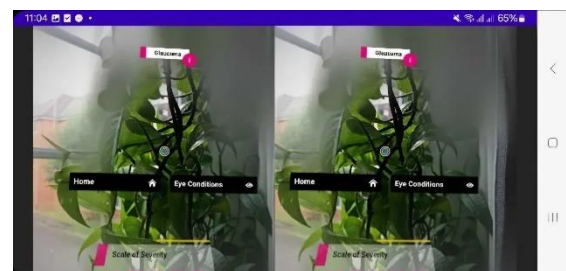
آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این شماره را با بی‌مای‌آیز و جدیدترین تحولاتش آغاز کرده‌ایم. سپس به سراغ جاز و طرح‌های نوآورانه‌ای که کاربران به کمپانی ویسپرو داده‌اند می‌رویم و در پایان هم یک میکروفون را معرفی می‌کنیم که قابلیت‌های جالبی دارد و راست کار نابینایانی است که پادکست می‌سازند یا ساز و آواز ضبط می‌کنند.

کشف تاریک و روشن‌های کم‌بینایی در

همکاری بی‌مای‌آیز و آران‌آی‌بی



درنگی کوتاه در وب‌سایت بی‌مای‌آیز داشته باشیم تا از آخرین تحولات این اپلیکیشن محبوب خبری بگیریم. از میان تمامی اخباری که در طول ماه گذشته در این پایگاه اینترنتی منتشر شده، یکی بیش از بقیه جلب توجه می‌کند؛ همکاری میان بی‌مای‌آیز و مؤسسه ملی سلطنتی نابینایان بریتانیا (آران‌آی‌بی)، با هدف آشناتر کردن داوطلبان بینا، با ویژگی‌های زندگی افراد کم‌بینا.

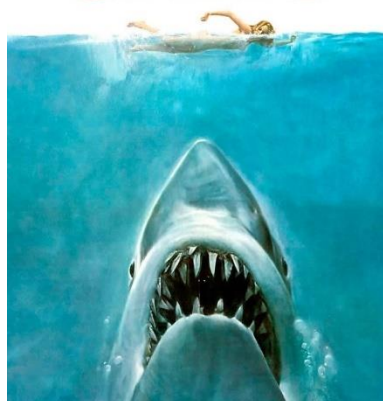
ماجرای این همکاری به ایده‌ای برمی‌گردد که از سوی بی‌مای‌آیز ارائه شده و برنامه‌نویس‌های آران‌آی‌بی هم آن را اجرا کرده‌اند. طراحی یک شبیه‌ساز کم‌بینایی، برای

¹ RNIB Eyeware

بی‌مای‌آیز در طول ماه گذشته با مجموعه‌های گوناگون داشته خواهیم داشت.

اعلام برندگان مسابقه ایده‌پردازی ویسپرو

JAWS



شنونده‌های همیشگی پیشخوان خوب به خاطر دارند که یکی دو شماره قبل، به مسابقه‌ای اشاره کردیم که ویسپرو، (فریدم ساینٹیفیک) رآن را برگزار می‌کند. مسابقه‌ای با موضوع ایده‌پردازی برای امکانات تازه صفحه‌خوان جاز. ویسپرو از کاربران جاز خواسته بود تا ایده‌هایشان را در قالب ویدئوهای یک دقیقه‌ای توضیح دهند. برنده مسابقه هم قرار بود هزار دلار به جیب بزند. حالا، در آخرین شماره از پادکست «اف‌اس‌کست»، هیئت داوران، با سه نفر از کسانی که بهترین ایده‌ها را داده بودند مصاحبه‌ای ترتیب داد و در نهایت، ایده برتر را مشخص کرد. بد ندیدیم به‌طور خلاصه، نگاهی به این سه ایده برتر بیندازیم.

اولین کسی که در مقابل هیئت داوران سه نفره ویسپرو قرار گرفت تا به سؤالاتشان پاسخ دهد، رایان بود که یک طرح جذاب را ارائه داده بود. طرحی که خودش اعتراف می‌کرد از یکی از قابلیت‌های مک آن را دزدیده اما داوران، سخاوتمندانه آن را الهامی از این قابلیت برشمردند. بر اساس این ایده، پیشنهاد شد صفحه‌خوان جاز، به یک نویسه‌خوان نوری و هوش مصنوعی مجهز شود تا نیاز کاربران را در صفحاتی که دسترسی‌پذیری

نسل‌مانا

مناسی ندارند برطرف کند. قابلیت‌هایی که گفتیم حالیه در مک وجود دارد. کاری که صفحه‌خوان مک صورت می‌دهد این است که در جاهایی که برنامه دسترسی‌پذیر نیست و صفحه‌کلید روی آنچه که باید کلیک کنیم متمرکز نمی‌شود، صفحه را اسکن و اوسی‌آر می‌کند و کاربر می‌تواند خط به خط، کلمه به کلمه و حتی حرف به حرف روی محتوای غیرقابل دسترس صفحه حرکت کند. هر جا که لازم به کلیک باشد، کاربر یک کلیک میانبر فشار می‌دهد و کلیک به نرم‌افزار ارسال می‌شود. به این ترتیب، کاربران می‌توانند از هر صفحه‌ای به سادگی استفاده کنند. داوران خود نیز چیزهایی به این ایده افزودند که در نسخه صوتی پیشخوان درباره‌شان بیشتر خواهیم گفت.

ایده دوم، متعلق به شخصی بود که آموزگار فناوری‌های کمکی بود. او یکی از مشکلاتش را این می‌دانست که وقتی قرار است از طریق قابلیت تَن‌دُم در جاز به کامپیوتر شاگردش متصل شود، به خصوص وقتی شاگرد تازه‌کار یا کم‌شنوا است یا اطرافش شلوغ و پر سروصدا است، طرف مقابل نمی‌تواند حروف و اعداد رمز را که باید وارد شود تا اتصال برقرار شود به درستی بشنود یا وارد کند. پیشنهاد او این بود که بهتر است هر فرد، شناسه خود را در کامپیوتر طرف مقابل داشته باشد تا فرد بتواند مثل یک دفترچه تلفن، بر روی نام‌ها حرکت یا حروف اول نام را وارد کند تا بتواند به کامپیوتر طرف مقابل متصل شود.

ایده سوم هم از آن کسی بود که نویسنده کتاب‌های آموزش کامپیوتر بود و دغدغه‌اش این بود که کاربران جاز، در مواجهه با مرکز تنظیمات جاز، به خاطر شلوغی و پیچیدگی بیش از حد گزینه‌ها، دست‌وپایشان را گم می‌کنند. او معتقد بود می‌شود همین صفحه را به شکلی تغییر داد که کار برای کاربران تازه‌کار کمی راحت‌تر شود. مثلاً می‌توانیم تعدادی از تنظیمات پرکاربرد را در بالای فهرست داشته باشیم تا کاربر با انبوه تنظیمات سردرگم نشود. او ایده دیگری هم داد و آن این بود که

خود به خود حجم صدا را تنظیم می‌کند. این قابلیت، بر روی میکروفون قابل تنظیم است؛ به طوری که کاربران می‌توانند مشخص کنند از پنج تا صد سانتیمتر امکان جابجایی داشته باشند. همچنین یک قابلیت دیگر در میکروفون ری به کاربران امکان می‌دهد تعیین کنند که زمانی که از یک محدوده خاص دورتر شدند، میکروفون خودبه‌خود ضبط را متوقف کند. امکانی که مدت‌هاست در بسیاری از دوربین‌های تصویربرداری فراهم شده اما طراحی چنین قابلیتی برای میکروفون، در نوع خودش اتفاق خارق‌العاده‌ای به شمار می‌رود.

یکی دیگر از جذابیت‌های این میکروفون این است که «پاپ فیلتر» آن را به شکل آهنربایی طراحی کرده‌اند و همین هم باعث می‌شود همیشه در یک جا ثابت باشد و دیگر خطر افتادن هم برای آن وجود ندارد. روش اتصال این میکروفون به صورت «اکس ال آر» است و بنابراین، برای استفاده از آن حتماً باید یک فانتوم پاور هم در اختیار داشته باشیم. سم سیوی در ویدئویی که برای کانالش ضبط کرده، انواع قابلیت‌های آن را به نمایش گذاشته و ما هم بنا داریم با استفاده از فایل‌های که سم منتشر کرده، این قابلیت‌ها را در نسخه صوتی پیشخوان با شما به اشتراک بگذاریم. شما در نسخه صوتی پیشخوان، نمونه صدای این میکروفون را پیش از ویرایش و روتوش خواهید شنید. همچنین می‌توانید نمونه صدای میکروفون را در حالتی که قابلیت تمرکز بر روی منبع صدا غیرفعال است بشنوید و با حالت فعال مقایسه کنید. پس، اگر به حوزه صدا و حواشی آن علاقمند هستید، این شماره از پادکست پیشخوان را از دست ندهید.

شما می‌توانید نسخه صوتی پیشخوان را ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا یا در کانال‌ها و صفحات ما در شبکه‌های اجتماعی دریافت کنید و بشنوید.

خوب است مثل ان‌وی‌دی‌ای، بتوانیم برای تنظیماتمان پیکره‌بندی‌های مختلف و پروفایل‌های گوناگون ایجاد کنیم که مجبور نباشیم در محیط‌های مختلف و بسته به نیازهای متفاوت، تنظیمات صفحه‌خوان را تغییر دهیم. صرفاً با تغییر پیکره‌بندی، تنظیمات دلخواه‌مان را اعمال کنیم.

از میان ایده‌هایی که مطرح شد، ایده پیمایش هوشمند صفحه که رایان آن را ارائه کرده بود از نظر هیئت داوران بهترین تشخیص داده شد و ویسپرو، معادل هزار دلار کارت خرید از آمازون به رایان اهدا کرد و وعده داد این ایده و سایر ایده‌ها را در سال میلادی پیش رو در دستور کارشان قرار خواهند داد.

میکروفون جادویی با قابلیت تمرکز بر روی

منبع صدا

جدیدترین پست سم سیوی بر روی کانالش در یوتوب، مستقیماً به نایبانیان مربوط نمی‌شود؛ اما از آنجا که موضوع صحبت او در این پست، معرفی یک میکروفون همه‌فن‌حریف است و نایبانیان هم در زمینه تجهیزات ضبط و پخش صدا تبحر یا دستکم علاقه دارند، بد ندیدیم به معرفی این میکروفون عجیب‌وغریب از زبان سم پردازیم.

میکروفون «ری»^۱ از کمپانی «لوئیت»^۲ یک میکروفون کاندانسر است که به درد ضبط چیزهایی مثل پادکست و موسیقی و آواز می‌خورد. اما آنچه این میکروفون را از سایر میکروفون‌های کاندانسر متمایز می‌کند، تمرکزش بر روی منبع صدا، در هنگام ضبط است. سم در توضیح این قابلیت اینطور می‌گوید که یکی از مشکلات نایبانیانی که می‌خواهند صدا ضبط کنند این است که چون میکروفون را نمی‌بینند، ممکن است در حین ضبط کمی از مقابل میکروفون جابجا شوند و همین هم باعث می‌شود صدا دور یا نزدیک شود. ری اما به یک حسگر مجهز شده که دوری و نزدیکی را تشخیص می‌دهد و

² LEWITT

¹ RAY

اهمیت بازی در رشد کودکان با آسیب

بینایی

زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران



فواید بی‌شمار بازی، متأسفانه روزبه‌روز شاهد دور شدن کودکان با آسیب بینایی از محیط بازی و اسباب‌بازی هستیم. متأسفانه گاه با کودکانی برخورد می‌کنیم که تا پیش از ورود به مدرسه، هرگز توپ در دست نگرفته‌اند و توپ بازی نکرده‌اند یا کودکانی را می‌بینیم که فقط در جلسات کاردرمانی، توپ بازی کرده‌اند و تمام آشنایی آنان با این وسیله ساده و ارزان بازی، به در دست گرفتن و پرتاب آن برای درمانگر در جهت رشد مهارت‌های حرکتی کودکان محدود می‌شود. باور این موضوع بسیار سخت است که کودک شش ساله ما با این اسباب‌بازی ساده آشنایی ندارد و نمی‌تواند توپ را با پا شوت کند یا بالا بیندازد و با همسالانش بازی کند. این در حالی است که خوب می‌دانیم که صدا دار کردن توپ‌های ساده با کمک وسایل ساده و در دسترس مانند سوزن ته‌گرد یا برنج و چیزهایی از این قبیل چه قدر کار ساده‌ای است.

بنابراین در این یادداشت به اهمیت بازی و نقش آن در رشد و پرورش کودکان با آسیب بینایی می‌پردازیم و امیدواریم والدین و مربیان با یادآوری اهمیت بازی برای کودکان با آسیب بینایی زمان و ارزش بیشتری برای بازی کودکان به ویژه در سال‌های پیش از دبستان در نظر بگیرند.

رشد همه جانبه حواس در تمام کودکان مهم است اما در کودکان با آسیب بینایی با توجه به فقدان یا ضعف حس بینایی، پرورش و تقویت سایر حواس از جمله شنوایی و لامسه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. کودکان با آسیب بینایی با پرورش سایر حواس، از آنها در موقعیت‌های گوناگون و مواجهه با محیط و چالش‌های متنوع زندگی استفاده می‌کنند و بازی با اسباب‌بازی‌ها می‌تواند به کودکان با آسیب بینایی کمک کند که حواس خود را تقویت کنند؛ برای مثال استفاده از اسباب‌بازی‌های صدا دار در تقویت حس شنوایی بسیار مؤثر است. به ویژه اگر از اسباب‌بازی‌های صدا دار مانند توپ که قابلیت حرکت در محیط را دارند استفاده شود در پرورش حس شنوایی و استفاده از این حس در جهت

بازی یکی از طبیعی‌ترین و مهم‌ترین روش‌های یادگیری و رشد در کودکان است و بخش بزرگی از یادگیری کودکان به طور غیر مستقیم و از طریق بازی اتفاق می‌افتد. نقش و اهمیت بازی و اسباب‌بازی در رشد و پرورش و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان بر کسی پوشیده نیست؛ اما بازی برای کودکان با آسیب بینایی از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردار است و نه تنها یک سرگرمی و بهانه‌ای برای پر کردن اوقات فراغت بلکه ابزاری برای شناخت محیط اطراف و دنیای پیرامون، توسعه مهارت‌های جسمی، شناختی و اجتماعی است.

کودکان با آسیب بینایی می‌توانند به واسطه مشارکت در بازی در محیط حرکت کنند و با محیط اطراف خود آشنا شوند یا از طریق بازی و کار کردن با اسباب‌بازی‌های ساده، مهارت‌های فردی بسیاری کسب کنند؛ اما با وجود

همسالانشان دیده نمی‌شوند و فرصت کافی برای دوستی و ارتباط و انجام بازی‌های گروهی با همسالان را نمی‌یابند و این در حالی است که می‌دانیم بازی با همسالان می‌تواند نقش بسیار پررنگی در رشد مهارت‌های ارتباطی و کسب بسیاری از مهارت‌های اجتماعی داشته باشد.

بازی و برقراری ارتباط با همسالان با آسیب بینایی، علاوه بر ایفای نقش در رشد مهارت‌های ارتباطی می‌تواند فرصت خوبی باشد تا این کودکان بتوانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند. شاید به کارگیری واژه تجربه برای کودکان عجیب به نظر برسد اما انسان‌ها در هر گروه سنی، چیزهایی را با تجربه کسب می‌کنند و می‌توانند تجربیات خود را در اختیار دیگران قرار دهند؛ مثلاً کودکی که در بازی وسیله مورد نظرش را پیدا می‌کند یا چیزی می‌سازد؛ نحوه انجام این کار و چگونگی به کارگیری حواس برای آن را با دیگران به اشتراک می‌گذارد و همین تجربه اندوزی‌های کوچک، رشد همه جانبه آنها را موجب می‌شود.

گفتنی‌ها در مورد بازی و اهمیت آن در رشد کودکان بسیار است و امیدواریم بتوانیم در شماره‌های بعدی نسل مانا به جنبه‌های دیگری از این مهم بپردازیم.



شناخت محیط پیرامون و رشد مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت بسیار مفید خواهد بود.

حس شنوایی در زندگی افراد با آسیب بینایی بسیار مهم است و در موقعیت‌های گوناگون از جمله جهت‌یابی و حرکت در محیط، کاربردی است. رشد و تقویت این حس تا جایی اهمیت دارد که با توجه به میزان رشد یافتگی و بکارگیری حس شنوایی توسط افراد با آسیب بینایی، برخی افراد فاقد آسیب بینایی تصور می‌کنند که افراد نابینا از حس شنوایی قوی‌تری برخوردارند و این در حالی است که این حس در افراد با آسیب بینایی، تنها رشد و تقویت بیشتری یافته است. لامسه نیز از دیگر حواسی است که باید در افراد با آسیب بینایی، بسیار تقویت شود و بکارگیری صحیح آن هم در افراد نابینا و هم کم‌بینا بسیار مفید است. استفاده از اسباب‌بازی‌های ساده و معمولی با جنس‌های متنوع می‌تواند به رشد این توانایی در کودکان بسیار کمک کند.

از سوی دیگر بازی نقش بسیار مهمی در رشد شناختی تمام کودکان، به ویژه کودکان با آسیب بینایی ایفا می‌کند. کودکان از طریق بازی می‌توانند به سادگی و به طور غیرمستقیم و بدون نیاز به تلاش آموزشی با شکل‌ها، اندازه‌ها، جهت‌ها و سایر مفاهیم فضایی آشنا شوند و اطلاعات ارزشمندی از محیط گسترده زندگی کسب کنند. علاوه بر این، بازی راه‌کار بسیار خوبی برای تقویت توجه و تمرکز و مهارت‌های حل مسئله کودکان محسوب می‌شود. برای مثال زمانی که کودک با چند آجرک ساده بازی می‌کند؛ از طریق شکل‌های گوناگون چیدن این آجرک‌ها، ادراک فضایی و شناخت وی از محیط واقعی و بزرگ‌تر، رشد می‌کند.

رشد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی از دیگر مزایای بازی برای کودکان است. متأسفانه با وجود تمام آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها و تلاش در جهت آگاهی بخشی، کودکان با آسیب بینایی هنوز آن گونه که شایسته و مورد انتظار است در جامعه در کنار

دستگاه مرکزی تلفن را هم نزد آقای داوود شهری گذراندم. البته پیش از این هم در گمرک آبادان دوره مشابهی را با دستگاه زیمنس گذرانده بودم. از هر دو جا مدرک اپراتوری تلفن را داشتم.

بعد از اینکه مدتی به دنبال کار گشتم و موفق نشدم، یکی از بستگانم مرا به اداره برق آبادان معرفی کرد. حدوداً یک سال و نیم به انجام وظیفه مشغول بودم که به دلیل اختلاف عقیده با نظام جدید راهی زندان شدم. بعد از گذشت سه سال دوره محکومیت دیگر مرا در پست قبلی نپذیرفتند. دیگر در آن شهر کاری نداشتم و می‌بایست به شهرهای دیگر سفر می‌کردم تا کاری پیدا کنم. در این مسیر به بوشهر و بندرعباس و تهران سفر کردم. یک سالی هم در بندرعباس مشغول شدم. می‌خواستم کار کنم و زندگی را بسازم. ممکن بود برای کسانی خرده کاری‌هایی انجام دهم. کمک کنم بخاری همسایه‌ای را تعمیر کنم. جایی سیمی قطع شده باشد آن را درست کنم. دستگاه تلفنی را تعمیر کنم؛ اما اینها نمی‌توانست محل درآمد من باشد.

می‌خواستم در مرکز تلفن انرژی اتمی بوشهر کار کنم. تعدادی از دوستان نابینا در آنجا مشغول بودند که گفتند بهتر است برای کار به بندرعباس بروی. فشار کار در انرژی اتمی به گونه‌ای بود که سلامتی کارکنان آنجا را تهدید می‌کرد. در اداره برق بندرعباس مشغول به کار شدم. چون مجرد بودم به من امکان اسکان نمی‌دادند. آن وقت‌ها صاحب خانه‌ها به راحتی به مرد مجرد خانه اجاره نمی‌دادند. یکی از همکارانم مرا به زن و مرد کهنسالی معرفی کرد تا اتاقی را به من اجاره دهند. بعد از یک سال از کار کناره‌گیری کردم و رهسپار تهران شدم. در یکی از بیمارستان‌های تهران مشغول به کار شدم. هم زمان پیانو هم آموزش می‌دیدم. آنچه را از پیانو یاد می‌گرفتم در ازای دریافت هزینه به دیگران هم یاد می‌دادم. بعد از مدتی کار در بیمارستان را رها کردم و فقط به تدریس موسیقی به افراد نوآموز پرداختم. تعداد

از آبادان تا سوئد (بخش دوم) فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان



همراهان عزیز! در شماره پیش با سعید بیدار یکی از نابینایان با تجربه ساکن کشور سوئد به گفت و گو نشستیم. در این شماره نیز این گفت و گو را پی می‌گیریم.

اشتغال

هفده بهمن ۵۹ بود که نیمه شب به مدرسه کریستوفل رسیدم. جا نبود. تا صبح روی صندلی نگرهبانی نشستیم. بالاخره مرا در مدرسه ثبت نام کردند. در مدرسه شبانه‌روزی هم برای دسترسی به برخی منابع و همچنین ایجاد قلمرو می‌بایست با هم دعوا می‌کردیم. روز سوم بود که یکی از بچه‌ها را به شدت کتک زدم. دانش‌آموز دیگری نزد من آمده بود و گفته بود که کتک خورده من هم آن دانش‌آموز قوی را کتک زدم. همین شد که بین سایر بچه‌ها نام و نشانی پیدا کردم. یادش بخیر! بعدها ماشین به او زد و از دنیا رفت. نابینایان زیادی را می‌شناسم که در حادثه اتومبیل جان خود را از دست داده‌اند.

شش ماهی در این مدرسه ماندم تا سوم راهنمایی را بخوانم و وارد دبیرستان شوم. یک دوره کارآموزی کار با

دومین امکان هنر است. اگر من موسیقی نمی‌دانستم، نمی‌توانستم چنین تغییری در زندگی ایجاد کنم که درآمد را بیش از ۲۵ برابر افزایش دهم. کار اپراتوری تلفن را کنار بگذارم و معلم موسیقی بشوم.

راه یافتن به محافل دانشجویی امکانی دیگر بود. قدرت انطباق من با شرایط جدید یکی دیگر از ویژگی‌های من است. خود را با فضای جدید تطبیق می‌دهم. اینها پارامترهای من هستند. پارامترهای هر کس جای او را در دنیا مشخص می‌کند.

چالش‌ها

چالش‌های زندگی یک شخص نابینا بیش از چالش‌های دیگران است. فرد نابینا به شرایط زندگی مسلط است اما به محض اینکه از خانه بیرون می‌آید چالش‌ها آغاز می‌شوند. سایر افراد ممکن است مدت‌ها در هوای آزاد راه بروند و بارها بگویند چه هوای خوشی و لذت ببرند اما فرد نابینا باید مراقب باشد در مسیر حرکتش مانعی وجود نداشته باشد؛ دوچرخه‌ای به او نزند؛ به میله‌ای برخورد نکند؛ عصایش نشکند و... من همیشه یک عصای دیگر هم در کیفم می‌گذارم که اگر بلایی بر سر عصایم آمد در راه نمانم. روزی در همین کشور سوئد پای خانمی با عصایم برخورد کرد و عصا شکست. آن خانم خیلی ناراحت شد اما چه کار می‌شد کرد عصا شکسته بود دیگر. همیشه سعی کرده‌ام خودم را با شرایطی که برایم پیش می‌آید منطبق کنم. یکی از بزرگترین چالش‌های ما افراد نابینا اثبات خودمان است به دیگران. چالش فقط تیر چراغ برق و مسطح نبودن راه‌ها نیست.

تأثیر فناوری

امروزه دنیا دنیای فناوری است. تمام پرداخت‌ها و فرم‌هایم را به صورت آنلاین انجام می‌دهم. اگر من چنین کارهایی را بلد نبودم واقعاً در می‌ماندم. باید همیشه از کسی درخواست می‌کردم تا این قبیل کارها

شاگردانم به جایی رسیده بود که به بعضی از آنها به راحتی نوبت نمی‌رسید.

نقش خانواده

تا هجده سالگی خانواده در زندگی نقش پررنگ‌تری داشت اما بعد از آن دیگر به سفرهایم پرداختم. گاه‌گاهی هم به خانواده خبر سلامتییم را می‌دادم تا مادرم نگران احوال من نباشد. زندگی در کنار خانواده این حد از استقلال را به من نمی‌داد. نمی‌خواستم در خانه بمانم؛ لقمه نانی به من بدهند تا سیر شوم. از وقتی که با کار آشنا شدم دیگر از خانواده پولی نگرفتم بلکه در پاره‌ای موارد کمک خرج خانواده هم می‌شدم.

امکانات

یکی از امکاناتی که من داشتم، امکانی که زندگی را معنی‌دار می‌کرد این بود که کار فنی بلد بودم. دانستن این کارها بخشی از ناتوانی ناشی از نابینایی مرا جبران می‌کرد. می‌توانستم با هر ابزاری، ابزار مورد نیازم را تهیه کنم. برای مثال وقتی به اهمیت عصای سفید در راه رفتن پی بردم، دیگر منتظر نمی‌ماندم حتماً یک عصای بلند سپید تاشوی شیک داشته باشم. ممکن بود یک قطعه چوب درخت را خوب تراش بدهم تا این مسأله را حل کنم.

روزی کش عصایم - که تکه‌های عصا را از داخل به هم وصل می‌کند - پاره شد و تکه‌ها از هم جدا شدند. در آن زمان به جای کش قطعه‌ای از سیم ترمز موتور در دسترس داشتم. سیمی انعطاف پذیر که به راحتی هم پاره نمی‌شود. می‌خواهم این را بگویم که اگر من در چنین خانواده‌ای رشد نیافته بودم، هرگز این کارهای خلاقانه را نمی‌آموختم. جایی را نمی‌شناسم که به افراد نابینا کارهای فنی را بیاموزند کارهایی مانند آهنگری، کار با چکش، انبردست و از این قبیل ابزارها. اگر فرد نابینایی اینها را می‌داند خودش علاقه‌مند بوده و بر آموختنش پافشاری نموده است.

واقعیت این است که موقعیت فیزیکی ما با افراد بینا هرگز برابر نمی‌شود. آنچه باید تغییر کند فرهنگ عمومی جامعه است. نظام فرهنگی همیشه خیلی دیر تغییر می‌کند.

ما اگر نسبت به خودمان در گذشته مستقل‌تر شده‌ایم به این دلیل است که نیاز به استقلال بیشتر را احساس کرده‌ایم. سایر افراد تغییر نگرش به افراد نابینا را جزء نیازمندی‌های خود نمی‌دانند.

خطاب به ماهنامه تخصصی

یک ماهنامه تخصصی ویژه نابینایان خوب است از تکنیک بنویسد، از هنر بنویسد و همچنین از تکنیک در هنر. به این معنا که برای مثال اگر تولیدکننده‌ای نوعی دسترسی‌پذیری در تولیدات جدیدش به کار برده آن را به افراد نابینا معرفی کند.

صحبت درباره شریک جنسی همواره برای ما تابو بوده است اما ضرورت دارد که در این باره مواردی از سوی خود افراد نابینا در چنین ماهنامه‌ای به بحث و بررسی گذاشته شود.

پیام به جوانان نابینا

اگر تقدیر چنین است که نابینا باشید و یا در ادامه مسیر زندگی نابینا بشوید، بهتر است سطح زندگی خود را ارتقا دهید. هنری یا دانشی بیاموزید که بتوانید به وسیله آن با سایر افراد جامعه ارتباط مؤثر برقرار کنید.

امید به آن که خواندن این تجربه‌ها راه‌گشای مسیر زندگی شما خوبان باشد.

روزهایتان پر از شوق زندگی.

را برایم انجام دهد. باید اعتماد هم می‌کردم. این احتمال را هم باید می‌دادم که ممکن است جایی را به اشتباه علامت بزند یا عددی را به اشتباه وارد کند. این وظیفه خودم است که تا وقتی توانایی دارم برای خودم وقت بگذارم و صبورانه فرم‌ها را بخوانم و اطلاعات لازم را پر کنم.

هرگز بین خود و فناوری فاصله ایجاد نکرده‌ام. به تازگی یک هواپز خریده‌ام که می‌توانم از طریق موبایل به این دستگاه برنامه بدهم تا کاری را که می‌خواهم انجام دهد. زمان و دما را به همین ترتیب تنظیم می‌کنم و دکمه استارت را می‌زنم. هر جا که لازم باشد سید دستگاه را بیرون می‌کشم غذا را بررسی می‌کنم و دوباره سید را به دستگاه برمی‌گردانم.

با اینکه امروزه ما وارد جامعه صنعتی و فرا صنعتی شده‌ایم، اما در فرهنگ عمومی جوامع حتی جوامع پیشرفته هنوز نگاه ما انسان‌ها به یکدیگر و همچنین به افراد نابینا نگاه دوران فتودالی و دوران کشاورزی است. از چنین منظری تمام اعضای بدن انسان می‌بایست قادر به کار کردن باشد از جمله چشم‌ها. باید بتوانی بیل را در دست بگیر و بتوانی محصول را درو کنی؛ اما نگاه فرا صنعتی فقط با قدرت پردازشگری مغز انسان ارتباط برقرار می‌کند. بنا بر چنین نگاهی شاهد حضور افرادی هستیم که برای مثال از کشور هند می‌آیند اما خدای تکنیک هستند و در بخش IT کار می‌کنند. کسی به نژاد یا سبک زندگی آنها کاری ندارد.

درباره آینده

آنچه اتفاق می‌افتد شاید خوب نباشد اما برای افراد نابینا خوب است. اینکه افراد نابینای نسل بعد کمتر به انسان‌ها نیازمند هستند. وسایل نقلیه می‌رود که خود ران باشد. یا چرا راه دور برویم، همین گوشی‌های موبایل که افراد نابینا به راحتی قادر هستند آن را اداره کنند. تلویزیون‌ها هم دارند به چنین نرم‌افزارهایی مجهز می‌شوند.

ترکیب تجربه آنها در هوش مصنوعی، یادگیری ماشینی و سرمایه‌گذاری‌های فناوری مقیاس‌پذیر باعث شد که آنها به هم ملحق شوند تا فرصتی را برای ایجاد یک تجربه خرید همگان شمول شناسایی کنند و پلتفرمی را تصور کنند که هوش مصنوعی پیشرفته را با مأموریتی برای بهبود دسترسی‌پذیری همراه کند.

اینوسرچ یک پلتفرم تجارت الکترونیکی است که هدف آن این است که خرید آنلاین را برای کسانی که نیازهای دسترسی‌پذیری دارند، به ویژه افراد دارای اختلال بینایی، همگان شمول‌تر و لذت‌بخش‌تر کند.

این پلتفرم میلیون‌ها محصول و تخفیف را از تعداد بی‌شماری خرده‌فروش ارائه می‌دهد که خرید بسیاری از برندها و محصولات مورد علاقه‌تان را در یک مکان آسان می‌کند.

خرید به عنوان یک فرد نابینا

هر چند من خرید کردن را دوست دارم، به دلیل عدم دسترسی‌پذیری وبسایت‌ها نمی‌توانم بگویم که همیشه از انجام این کار به صورت آنلاین لذت می‌برم. من هرگز یک تجربه خرید آنلاین کاملاً دسترسی‌پذیر را نداشته‌ام، بنابراین تلاش من برای خرید هر چیزی، خواه خرید هفتگی مواد غذایی باشد یا یک محصول جدید برای کمد لباسم، همیشه با نگرانی همراه است، چون موانعی را در طرف دیگر پیوند مربوط به خرید محصول پیش‌بینی می‌کنم.

عدم تعهد به دسترسی‌پذیری از سوی برندها اغلب فرصت خرید مستقل و با اطمینان را از من سلب می‌کند و به این معنی است که این برندها اغلب مشتریان معلول را از خود می‌رانند.

تست اینوسرچ

وقتی برای اولین بار از این پلتفرم بازدید کردم از اینکه متوجه شدم همه دکمه‌ها دارای برچسب‌اند، چیزی که روند ایجاد یک حساب کاربری را ساده می‌کند،

خرید دسترسی‌پذیر با سرویس

اینوسرچ

گردآوری و ترجمه: میثم امینی



اگر تا به حال خرید آنلاین انجام داده‌اید به احتمال زیاد در حین خرید با مشکلات دسترسی‌پذیری متعددی روبه‌رو شده‌اید. مشکلاتی مانند تصاویر محصول که توصیف ندارند، محصولات پیشنهادی که بخش بزرگی از صفحه را پر می‌کنند و مانع دسترسی راحت به توضیحات می‌شوند، قیمتی که در صفحه شلوغ محصول جایی خودش را قایم کرده است و هفت خان رستمی که باید برای انتخاب رنگ یک محصول یا تاریخ و ساعت دریافت آن بگذرانیم.

اخیراً سرویسی مبتنی بر هوش مصنوعی در آمریکا به نام اینوسرچ راه‌اندازی شده است که هدف آن فراهم کردن یک خرید آنلاین دسترسی‌پذیر برای معلولین، از جمله کاربران نابینا و کم‌بینا است. این سرویس در حال حاضر در ایالات متحده، کانادا، انگلستان و استرالیا به کاربران خدمت‌رسانی می‌کند.

در این شماره از نسل‌مانا در ستون فناوری تجربه یک کاربر نابینای انگلیسی را از کار با این وبسایت آورده‌ایم. به این امید که چنین وبسایتی الگویی شود برای آینده خرید آنلاین در ایران.

اینوسرچ چیست؟

اینوسرچ را برایان وونگ و پاتریک لانگ، دو مبتکر علاقه‌مند به هوش مصنوعی و فناوری تأسیس کرده‌اند.

توضیحات مفصلی که به ندرت در وبسایت‌های خرده‌فروشی مد موجود است به من پاسخ داد.

وقتی بالاخره بر اهمال‌کاری غلبه کردم و کلمات کلیدی مربوط به یک شارژر جدید را وارد کردم، امکان پرسش از هوش مصنوعی اینوسرچ دوباره در پاسخ به سؤال من در مورد اینکه این شارژر با چه دستگاه‌هایی سازگار است مفید بود.

به عنوان یک کاربر صفحه‌خوان، برانداز کردن سریع متن در دنیای من وجود ندارد، یعنی که من معمولاً زمان زیادی را صرف خواندن جزئیات نامربوط در مورد یک محصول می‌کنم، بنابراین این ویژگی به دلیل قابلیت پیدا کردن اطلاعات مورد نیازم در عرض چند ثانیه مطمئناً امکان مورد علاقه‌ام بود.

وقتی محصولی که می‌خواستم را انتخاب کردم، اضافه کردن این محصول (و نه هیچ محصول دیگری) به سبد خریدم و همچنین تکمیل خرید فرایند ساده‌ای بود.

اغلب، دشوارترین بخش خرید آنلاین به عنوان یک فرد دارای آسیب بینایی، سطوح مختلف دسترسی‌پذیری در وبسایت‌های مختلف است. حساب تعداد دفعاتی که مجبور شده‌ام جستجوی خود را در پلتفرم‌های خاصی به دلیل دسترسی‌پذیر نبودن آنها رها کنم از دستم در رفته است. چه به این دلیل که لینک‌ها برچسب‌گذاری نشده بودند یا چه به خاطر وجود پاپ‌آپ‌های بسیار زیادی که صفحه‌خوان من نمی‌توانست با آنها کنار بیاید. کار با چنین وبسایت‌هایی می‌تواند یک فرایند بسیار وقت‌گیر، خسته‌کننده و طاقت‌فرسا باشد.

با این اوصاف اینکه می‌توانم برای خرید روان‌تری که طاقتم را طاق نمی‌کند به اینوسرچ مراجعه کنم کارآمد است. داشتن گزینه‌هایی از خرده‌فروش‌های مختلف همه در یک مکان دسترسی‌پذیر مطمئناً یک تحول است و خرید مستقل به عنوان یک فرد دارای آسیب بینایی را به واقعیت تبدیل می‌کند.

خوشحال شدم. صفحه اول این پلتفرم جای محصولات با بهترین تخفیف‌ها در لحظه است و بخشی هم برای برخی از محصولات پر فروش در نظر گرفته شده است. امکان جستجو یکی از اولین چیزهایی بود که پیدا کردم و به سرعت برای استفاده از آن دست به کار شدم.

برای اینکه به طرفدار تیلور سوئیفت درونم صادق بمانم و کاوش من در سایت کمی جالب‌تر از جستجوی شارژر لپ‌تاپی باشد که واقعاً باید بخرم، اولین جستجوی من برای یک صفحه وینیل تیلور سوئیفت بود.

نتایج در چند ثانیه بارگیری شدند و صفحه با گزینه‌هایی از خرده‌فروشانمانند آمازون، اچ‌ام‌وی، دابلیوایچ‌اسمیت و موارد دیگر پر شد.

صفحه ساده و عاری از هر گونه درهم و برهمی بود و جایی برای هیچ یک از مجرمان معمولی که یک تجربه خرید غیر دسترس‌پذیر را ایجاد می‌کنند وجود نداشت. نه تبلیغات، نه پاپ‌آپ و نه بنرهای متحرک.

کلیک کردن روی یک محصول، فقط با جزئیات ضروری آن روبه‌رو شدن و خواندن همه این توضیحات با صفحه‌خوان مورد علاقه‌ام تجربه‌ای فرح‌بخش بود.

تنها اطلاعاتی که در صفحه نمایش داده شده بود، تصاویر محصول، اطلاعات و برخی از نظرهای برتر آن بود. بدون چیزی شبیه به بخش «محصولات پیشنهادی» که شما را از اطلاعاتی که می‌خواهید به آنها دسترسی بیابید جدا کند.

همان‌طور که در حال حرکت در صفحه بودم، به دکمه مربوط به پرسش از امکان هوش مصنوعی اینوسرچ نیز برخورد کردم که من را در کشف برخی جزئیات بیشتر در مورد محصولات مستقل می‌کرد. این امکان خصوصاً وقتی بعداً در گردشی که در وبسایت داشتم به دنبال تعدادی لباس گشتم مفید واقع شد. من از دستیار هوش مصنوعی اینوسرچ خواستم که محصول موجود در عکس‌ها را برایم توصیف کند و هوش مصنوعی با

بلا نیننی نابینا، (قسمت دوم)

ادامه‌ی مصاحبه با اد هینز

مترجم: میرهادی نایننی‌زاده

* داشتیم درباره‌ی چیزهایی که باید توی کیف کمک‌های اولیه می‌داشتیم صحبت می‌کردیم. ما خیلی وقت‌ها با کسانی سر و کار داریم که غیر از مشکل بینایی احتیاج به داروهای دیگه‌ای هم دارن، اون افراد باید به چه چیزهایی دقت کنن در مواقع بحرانی؟

* بذارین تأکیدم رو بذارم روی دیابت که خیلیا به خاطر نابینایی یا هر مشکل بینایی دیگه‌ای دچارش میشن، شما حتماً باید حواستون باشه که یه دستگاه اندازه‌گیری قند توی کیف ضروریاتون بذارین که اون موقع خیلی بهش احتیاج دارین. یه چیز دیگه که باید بهش خیلی دقت کنین اینه که، بعضی از داروهای افراد دیابتی باید توی یه جای خنک باشن. به همین دلیل خیلی مهمه که قبل از ورود به بحران فکر یه خنک‌کننده‌ی درست برای چیزایی مثل انسولین باشید. این خیلی مهمه که شما یادتون نره حتی تو شرایط بحرانی هم باید بتونین شرایط جسمیتون رو چک کنین و مثلاً نذارین قندتون خیلی بره بالا یا افت قند محسوس پیدا کنین.

* چیزایی که تا حالا گفتیم بیشتر فیزیکی و محسوس بودن. بذار اد، یه کم راجع به اطلاع‌رسانی حرف بزنیم، توی این شرایط اول بهم بگو چه قدر اطلاع‌رسانی اهمیت داره و اینم بگو کلاً چیزی هست که برای ما با بقیه فرق داشته باشه؟

* هممون شنیدیم که لازمه یه لیست مخاطبین ضروری روی گوشی‌هامون داشته باشیم، اینم خیلی طبیعیه که، ما گوشیمون قفل باشه و فقط خودمون بدونیم چه طوری می‌تونیم بازش کنیم. حالا بیاین این شرایطو توی یه وضعیت دیگه ببینیم، تصور کنین شما در اثر یکی از بلایای طبیعی آسیب دیدین و یه نفر می‌خواه کمکتون کنه؛ شما هم نمی‌تونین گوشیتونو باز

کنین. توی این وضعیت منطقه که شما یه نسخه‌ی کاغذی (هم به بریل و هم به بینایی) از اون لیست مخاطبین تو کیف ضروریاتون داشته باشین که دیگران بتونن بهش دسترسی داشته باشن. تو اون شرایط اصلاً نباید فکر کنین فقط خودتون حق دارین به مخاطبینتون دسترسی داشته باشین. اینم خیلی خوبه که اون لیست رو کپی کنین و به یکی دو نفر که با شما زندگی نمیکنن بدین. تصور کنین شما نیاز به کمک دارین و کیف ضروریاتونم دم دستتون نیست؛ یا اصلاً ممکنه شما اون موقع اون قدر عجزول باشین که یادتون نیاد لیستتون رو کجا میشه پیدا کرد. خوبه که تلفن اون افرادی که بهشون اعتماد کردین یا دارین رو حفظ باشین تا توی این طور شرایط ازشون کمک بگیرین.

* این کاملاً درسته و باید بگم هدلی یه سری ورکشاپ برای درست کردن این طور لیست‌ها داره که می‌تونه به درد خیلیا بخوره. حالا که از موبایل گفتیم، بذارین منم اضافه کنم که، خیلی از ما اطلاعات پزشکیمون رو روی گوشی‌هامون ذخیره می‌کنیم، خیلی وقتا اون داده‌ها خیلی اهمیت دارن و ما تنها کسایی هستیم که می‌دونیم باید قفل دستگاهمون چه طور باز بشه. خب همه مثل ما از تاک‌بک یا ویس اور استفاده نمیکنن که بدونن حرکات تعیین شده برای باز و قفل کردن گوشی می‌تونه فرق داشته باشه. امنیت استفاده از گوشی حتماً خیلی مهمه؛ ولی باید توجه داشته باشین که اون موقع شما احتمالاً نمی‌تونین برای دیگران توضیح بدین که، گوشی من این طوری باز میشه تا شما به مدارک پزشکی من دسترسی داشته باشین. وقتی می‌گم مدارک منظورم چیزایی مثل شماره‌ی بیمه یا هر چیزی که شما برای کارتون لازم دارین هم هست.

* ممنونم که به ورکشاپ‌ها اشاره کردی ریکی، از اونجا که اطلاعات هدلی برای همه در هر جای دنیا دسترسی پذیره توصیه می‌کنم همه به سایت هدلی سر بزنن و اطلاعاتی که اونجا هست رو ببینن. توی سایت هدلی

نسلمانا

ریزه کاری‌ها مد نظرمون باشه. اولش یه کم انجام این کار سخت به نظر می‌رسه ولی من فکر می‌کنم انجام این کار برای یه آدم خودکفا اصلاً کار دشواری نیست.

* خیلی از ما داریم تو برج‌های بلند یا مجموعه‌های آپارتمانی بزرگی زندگی می‌کنیم که خروجی‌های اضطراری دارن و بیشتر اونها نشانه‌هایی دارن که باید ببینیمشون. برای این افراد توصیه‌ات چیه اد؟

* خیلی وقتاً راه‌های خروج اضطراری ته ساختمونا با یه علامت ریز مشخص شده که شما باید از قبل ازش اطلاع داشته باشین. توی بعضی از مجموعه‌های آپارتمانی هم کسانی هستن که اصلاً وظیفشون اینه که در مواقع بحران ساکنین رو تخلیه کنن. اگر شما قدرتمند و خودکفا باشین، راحت توی مواقع بحرانی از پس خودتون بر میان و راه خروج رو پیدا می‌کنین. اینم مهمه که اصلاً نباید وقتی یه جایی آتیش می‌گیره دنبال آسانسور گشت. شما توی این مواقع حتماً باید بتونین از راه پله استفاده کنین. یادتون باشه سرعت اینجا حرف اول رو می‌زنه. پس شما باید از خودتون بپرسین که، من می‌دونم پله‌ها کجا هستن؟ می‌تونم راحت ازشون استفاده کنم یا باید تمرین داشته باشم؟ شایدم توی یه شرایطی بهتر باشه شما اصلاً توی خونتون باشین و منتظر کمک درست بمونین. توی این شرایط، آیا شما تابلوی هشدار رو از پنجره آویزون کردین؟ در مجموع باید بگم، این درسته که خیلی وقتاً دیدن علامت‌های اضطراری، بینایی نیاز داره و این باعث میشه ما خیلی وقتاً نتونیم درست عمل کنیم. ولی داشتن یه پلن از قبل حتماً می‌تونه از هر چیز دیگه ای واجب‌تر باشه.

* خیلی ممنون اد که این اطلاعات رو به ما دادی. خیلی بحث‌ها موند که می‌دونم میشد کلی راجع بهشون حرف زد و تو اونا رو هم توی سایت و هم توی جاهای دیگه گفتی.

حتماً از این به بعد مواجهه با بلایای طبیعی و هر بحران دیگه ای برای ما راحت‌تر میشه.

کلی اطلاعات به درد بخور درباره‌ی مواجهه با بلایای طبیعی و مسائل مربوط بهش هست.

* آره کلی اطلاعات درباره‌ی کارهای اساسی که باید بکنیم توی سایت هست که توی این گفت و گو بهشون اشاره نمی‌کنیم. علاوه بر این کلی منابع خوبم هست که می‌تونه برای همه مفید باشه. حالا بذار فکر کنیم یه اتفاقی افتاده و ما نتونستیم پناهگاه خوبی گیر بیاریم؛ مثلاً سیل اومده یا آتش‌سوزی شده یا باید یه جا رو به خاطر طوفان سریع تخلیه کنیم. اگه فکر کنیم به اینکه وقت زیادی برای کارایی که باید انجام بدیم نداریم، چه کارایی هست که باید توی اولویت باشن؟ چی کار باید بکنیم که سریع از مخمصه خلاص بشیم؟

* خیلی سؤال خوبی کردی، اولین چیزی که باید بهش اشاره کنم اینه که، خودکفایی اصلی‌ترین داشته‌ی یه نابینا توی چنین مواقعی هست. شما از قبل باید بدونین در چنین شرایطی باید اول با کجا تماس بگیرین، سراغ کی برین، مکان‌های امن رو بشناسین و بدونین نزدیک‌ترینشون به شما کجاست. شما باید اینم بدونین که، می‌تونین به یکی از دوستان یا آشنایانتون دسترسی داشته باشین که خونه‌اش نسبت به جایی که شما هستین فاصله داره؟

حالا بیاین فکر کنیم کل منطقه شما تحت تأثیر بحرانه. اینجاست که خودکفایی شما نقش خودشو به بهترین شکل بازی می‌کنه. اونایی که رانندگی نمی‌کنن معمولاً خودشون نمی‌تونن مسیرشونو پیدا کنن و دنبال کردن مسیر رو می‌سپرن به راننده‌های تاکسی یا آژانسی که ازش استفاده می‌کنن؛ اما این نمی‌تونه خیلی برای ما نابیناها خوب باشه. ما وقتی دچار بحران می‌شیم نمی‌تونیم تصور کنیم کسی هست که می‌تونه دقیق به ما مسیر درست فرار رو توضیح بده. برای همین بهتره ما تو ذهنمون یه نقشه‌ی درست از فاصله‌ی محل زندگیمون تا نقاط امن رو داشته باشیم. وقتی میگم نقشه‌ی درست دقیقاً منظورم اینه که تمام پیچ‌ها و

در این تاریخ مسیر جاده چالوس به علت پاره‌های تعمیرات مسدود بود، ناچار از طریق مسیرهای جایگزین مانند جاده هراز و قزوین - رشت خود را به تنکابن رساندیم و این تغییر مسیر کمی به طول سفر ما افزود و با خستگی بیشتر حدود ظهر خود را به اردوگاه حبیب بن مظاهر رساندیم. پس از رسیدن تمام اعضای اردو و تحویل گرفتن اتاق‌ها، بلافاصله به سمت رستوران رفتیم و جای تمام دوستان سبز یک ماهی پلوی دیش و شمالی پز را صرف نمودیم که خستگی جاده و ماشین را از تنمان زدود. تا در فضای غذا و رستوران هستیم، جا دارد به یک نکته اشاره کنم و آن نیز کار خوب انجمن در طراحی ژتون‌های غذا به خطوط بریل و بینایی بود. با این توضیح که هر برگه ژتون، برای یک وعده غذایی طراحی شده بود که بر روی آن به خط بریل نام وعده، تاریخ و در پشت آن همین اطلاعات به صورت بینایی چاپ شده بود. این کار خوب انجمن، به نظم هرچه بیشتر در برنامه غذایی اعضای اردو کمک زیادی می‌کرد و هر فرد بدون وابستگی به دیگران، در زمان مورد نظر به رستوران مراجعه کرده و با ارائه‌ی ژتون مورد نظر غذای خود را دریافت می‌کرد. نکته‌ی پایانی در این خصوص اینکه هر چند ممکن است این کار ساده و کوچک به نظر برسد، اما برای کمک به استقلال افراد با آسیب بینایی نقش سازنده‌ای ایفا می‌کند.

حال که از بحث تغذیه فارغ شدیم سراغ اردوگاه می‌رویم و مختصری در مورد آن توضیح می‌دهیم. اردوگاه حبیب بن مظاهر در استان مازندران، شهرستان تنکابن و شهر شیروود در حدود ۱۴ کیلومتری تنکابن واقع شده و از اردوگاه‌های سازمان بهزیستی محسوب می‌شود که کاملاً در خط ساحل احداث شده و ضلع شمالی اردوگاه درست در لب ساحل دریای خزر قرار گرفته است. از آنجا که مراجعه‌کنندگان این اردوگاه عمدتاً از جامعه معلولین هستند، محیط آن تا حد زیادی برای گروه‌های مختلف معلولین و بسته به نیازهای آنها طراحی و مناسب‌سازی شده است. طوری که در تمام نقاط اردوگاه خطوط

گزارشی از اردوی تنکابن به میزبانی

انجمن نابینایان ایران

دکتر صلاح محمدی: دبیر آموزشگاه نابینایان

شهید محبی تهران



انجمن نابینایان ایران در ادامه برنامه‌های تفریحی فرهنگی خود برای تاریخ ۲۸ آبان ماه تا ۲ آذر ۱۴۰۳ یک اردوی پنج روزه به مقصد تنکابن در استان سرسبز مازندران برنامه‌ریزی کرد و از طریق کانال‌های رسمی خود به اطلاع اعضا و علاقه‌مندان این گونه برنامه‌ها رساند.

ما نیز که در برنامه‌های مشابه قبلی انجمن شرکت کرده بودیم و از این برنامه‌ها و اردوها خاطرات خوشی در ذهن داشتیم، بلافاصله به محض دیدن اطلاعیه به همراه یکی از دوستان گرمابه و گلستان خود ثبت نام کرده و وجه اعلام شده را واریز نمودیم.

علاقه‌مندان به این گونه برنامه‌ها در اسرع وقت ثبت نام کردند و طولی نکشید که لیست اردو تکمیل شد. کاری نداشتیم جز انتظار کشیدن برای روز حرکت. روز موعود هم مانند جوی گذران عمر بشر خیلی زود از راه رسید و من و دوستم به همراه دو تن دیگر از اعضای اردو با یک دستگاه سمند صبح روز دوشنبه ۲۸ آبان ماه تهران را به سمت تنکابن ترک کردیم.

سایر اعضای اردو نیز با یکی دو دستگاه سواری دیگر و یک اتوبوس در همان ساعت حرکت کردند. از آنجا که

نسل‌مانا

فضاهای ورزشی و مسیر پیاده‌روی با استفاده از علائم لمسی و اطلاع‌رسانی در این خصوص قابل رفع است.

نکته‌ی دیگری که در خصوص امکانات اردوگاه قابل ذکر است، وجود آلاچیق‌ها و نیمکت‌های متعدد در نقاط مختلف اردوگاه است که برای استراحت و دورهمی‌های دوستانه بسیار مناسب و مطبوع است. در پایان باید افزود که فضای داخلی اردوگاه بسیار سرسبز و مشجر است که زیبایی و طراوت خاصی به آن بخشیده است. طوری که در نقاط مختلف آن باغچه‌ها و فضاهای سبز زیادی به چشم می‌خورد و مسیرهای پیاده‌روی عمدتاً از میان بلوارها و باغچه‌ها عبور می‌کند. ما نیز بعدازظهر روز دوشنبه را با قدم زدن در فضای اردوگاه و استراحت در آلاچیق‌های آن گذرانیدیم.

روز سه‌شنبه دل آسمان تنگ شد و چشم‌های قشنگش بارانی. با اشک‌های الماس‌گون خود به طرزی لذت‌بخش از مهمانان خود پذیرایی کرد و تقریباً تمام روز، باران ریز و فرح‌انگیزی می‌بارید. به همین سبب برنامه‌های خارج از اردوگاه عمدتاً تعطیل بود و فرصتی شد که دوستان با تشکیل گروه‌های دورهمی، از حضور و مصاحبت یکدیگر لذت ببرند، از دیدار دوستان قدیم محظوظ شوند و افتخار آشنایی با دوستان جدید را پیدا کنند.

در روز چهارشنبه به پیشنهاد گروهی از دوستان، راه بام رامسر و تله‌کابین آن را در پیش گرفتیم و به سمت عروس شهرهای شمالی ایران حرکت کردیم. با یک دستگاه مینی‌بوس خود را به محوطه تله‌کابین رساندیم و با تهیه بلیط آن، با استفاده از این وسیله خود را به دل جنگل و قله کوه رساندیم. تله‌کابین از ساحل دریای خزر و یک فضای سرسبز رؤیایی آغاز می‌شود و به سمت قله‌های رشته کوه البرز حرکت می‌کند. سوار بر کابین‌ها از فراز شاخ و برگ انبوه درختان جنگل سرسبز و فضایی بسیار زیبا و دلربا عبور می‌کنیم. طوری که در راهی بسیار دل‌انگیز و از میان کوچه‌های آبی دریا و سبز جنگل با

بساوایی یا برجسته برای هدایت نابینایان و رمپ‌های مختلف جهت تسهیل حرکت ویلچرهای معلولین به چشم می‌خورد؛ اما مسئله‌ای که معلولین به خصوص افراد با آسیب بینایی را در جهت‌یابی و حرکت به سمت نقاط مختلف مانند خوابگاه‌ها، رستوران، وسایل ورزشی و غیره دچار مشکل می‌سازد، نحوه طراحی شکل اردوگاه است که برای افراد با آسیب بینایی کمی مبهم به نظر می‌رسد.

احساس می‌کنم اگر در ابتدای هر اردو یک نفر بینا که به محیط کاملاً آشنا باشد محیط اردوگاه را به صورت دقیق و با جزئیات برای این افراد توصیف نماید تا حد زیادی می‌تواند به درک فضایی آنها از محیط اردوگاه کمک کرده و ابهام نابینایان را از این محیط کاهش دهد. راه حل دیگری که می‌تواند در این خصوص مؤثر باشد، طراحی ماکت اردوگاه در ابعاد کوچک و قابل لمس است که در ابتدای هر اردو در اختیار افراد قرار گیرد و عناصر مهم محیطی برای آنها معرفی شود تا بتوانند تصویر روشنی از فضای اردوگاه و موقعیت عناصر محیطی موجود در آن، در ذهن داشته باشند.

از این نکات که بگذریم، همان طور که قبلاً نیز ذکر شد اردوگاه در لب ساحل واقع شده که هر فرد معلول می‌تواند با کمی صبر و حوصله به شکل مستقل خود را به لب دریا رسانده و از زیبایی‌های آن حظ وافر ببرد. در فضای اردوگاه در یکی دو قسمت وسایل ورزشی تعبیه شده است که برای ورزشکاران بسیار مطبوع به نظر می‌رسد، اما مشکل اینجا است که فضا و محیطی که این وسایل در آن قرار گرفته‌اند به روشنی برای افراد با آسیب بینایی تفکیک نشده است. بعضی اوقات پیش می‌آمد که هنگام قدم زدن در محیط اردوگاه و در راستای خط ساحل، دوستان نابینا ناخواسته وارد فضای این وسایل شده و با آنها برخورد می‌کردند و خطر آسیب دیدن افراد نابینا در چنین فضایی کم نیست؛ که البته با انجام یک سری اقدامات کوچک از قبیل تفکیک

بازی و سرنوشت بشر می‌نگرند؛ و چه چیزی این لحظات را شیرین چون شکلات می‌سازد، هم‌صحبتی و هم‌کلامی با دوستانی است که بالاتر از همه این عناصر طبیعی چون یک نغمه‌ی خوش موسیقایی در جوی لحظات زندگی جاریست و خنده‌های شیرینشان قند خون زندگی را بالا می‌برند.

این لحظات خوش نیز خیلی سریع می‌گذرند و دوباره به سمت ایستگاه تله‌کابین برمی‌گردیم. هنوز برنامه خاتمه نیافته و نمی‌توان تا اینجا بیایی و از رفتن به بام رامسر صرف نظر کنی. بام رامسر در واقع بام و یک فضای مسطح نسبتاً بزرگ است که درست روی این محوطه قرار گرفته است و باید با استفاده از یک رشته پله فلزی خود را به این نقطه برسانید. ما هم این کار را کرده و خود را به این فضای مهیج رساندیم. زمانی که بر روی بام قرار می‌گیرید، از این همه زیبایی که در تابلوی جادویی طبیعت به نمایش درآمده متحیر می‌شوید. موقعیت بام به گونه‌ای است که با ارتفاع خود تمام عناصر طبیعی را در پایین دست به تو نمایش می‌دهد. طوری که بیننده حس می‌کند آسمان و دریا به هم پیوسته و با هم آغوشی خود سر به سر بینندگان می‌گذارند. از طرف دیگر دریای مه تمام جنگل را تنگ در آغوش کشیده و شما را به بزم صمیمی خود می‌خوانند. دوستان با گرفتن عکس‌های یادگاری، سلفی، تک نفره، دو نفره و انواع دیگر عکس‌ها، لحظات خود را جاودانه می‌سازند و قصد بازگشت می‌کنیم.

زمانی که دوباره به محوطه ایستگاه تله‌کابین می‌رسیم، عطر و بوی بسیار خوش یک شیرینی گرم و تازه در فضا پیچیده است و شامه تمام رهگذران را قلقلک می‌دهد و شیرینی بدجور به دوستان چشمک می‌زند. یکی از دوستان تاب این همه دلبری شیرینی را نیاورده و با خرید یک بسته کلوچه گرم و تازه، از خود و دوستان پذیرایی می‌کند. با تله‌کابین مسیر بازگشت را در پیش می‌گیریم و با استفاده از همان مینی‌بوس به سمت اردوگاه حرکت می‌کنیم. حدود ساعت ۱۵ است که خود را به اردوگاه

حریری از مه غلیظ، مسیری در حدود دو کیلومتر و در مدتی برابر ۱۰ تا ۱۲ دقیقه کابین سواری می‌کنیم تا به قله برسیم.

مسافری که بر کابین سوار است اگر نگاهی به زیر پای خود بیندازد، لذت مشاهده زیبایی‌های باغ‌های پرتقال و مزارع چای به خوبی در کنه وجودش می‌ریزد. به محض پیاده شدن، از راهی با عرض نه چندان زیاد و شیب نسبتاً تند به سمت بالا حرکت می‌کنیم. مسیر، مفروش از برگ‌های خزان‌زده است که پاییز با سخاوت، چون فرشی ساده اما صمیمی زیر پای مهمانان خود گسترانیده است. کمی بالاتر می‌رویم. مسیر از زیر درختان عبور می‌کند. برگ‌های خزان‌زده‌ای که از روی آنها عبور می‌کردیم زیبایی و لذت زیادی به محیط و مسیر عبور می‌بخشید. حرکت در این فضای فرح‌انگیز بسیار لذت‌بخش و مهیج بود، چرا که بیشتر مسیر را از زیر درختان عبور می‌کردیم و انگار پادشاه فصل‌ها به خدم و حشم زمرد پوش خود دستور داده بود تا برای مهمانانش طاق نصرت ببندند.

از طرف دیگر سمت راست مسیر به یک دره‌ی عمیق منتهی می‌شد که خود بر هیجان عبور از چنین مسیری می‌افزود. دیری نمی‌پاید که شیب تند به اتمام می‌رسد و به یک محیط مسطح وارد می‌شویم. سمت چپ مسیر یک کافه واقع شده بود و کمی بالاتر با استفاده از چند رشته پله می‌توانستیم خود را به بام آن برسانیم و در یک فضای رؤیایی، استراحتی کرده و تنقلاتی را صرف نماییم. با نظر جمع، همین کار را هم انجام دادیم و از طریق پله‌ها خود را به بام کافه رساندیم و هر یک با پیش کشیدن یک صندلی جایی برای خود گرفته و در یک فضای صمیمی هر گروه به دور یک میز نشستیم و نوشیدنی‌های خود را سفارش دادیم. چه لذت‌بخش است نوشیدن یک چایی نبات در هوایی که دریای مه آن را تنگ به آغوش کشیده، نسیم پاییزی که پوست تنت را قلقلک می‌دهد و درختانی که چون تماشاچیان سبزی گرداگرد تو را فرا گرفته‌اند و در نهایت حیرت به

طبیعت را به یکی از محبوب‌ترین مقاصد طبیعت‌گردی، جنگل نوردی، گردشگری و حتی کوهنوردی طبیعت دوستان تبدیل کرده است. این جنگل زیبا با ۶۰۰ هزار مترمربع مساحت، یکی از جاذبه‌های نسبتاً بکر شهر رامسر به شمار می‌رود. دالخانای دل‌انگیز و رؤیایی با پوشش متراکم جنگلی و دریایی از مه غلیظ که در انتهای مسیر شما را به روستاهای بیلاقی این منطقه می‌رساند.

مسیر جنگل‌نوردی دالخانای در واقع قصه‌ی عبور از یک دالان جنت فام است که جامه‌ی تمدن‌زدگی تو را از تن بیرون آورده و تو را رختی از سبزی، لطافت و حریری از مه سپید می‌پوشاند که از زیر درختان متراکم عبور می‌کند که چون دوستانی که سال‌هاست همدیگر را ندیده‌اند سر به هم آورده و از دو طرف مسیر سر بر روی شانه‌های همدیگر گذاشته‌اند. پا به پای درختان تناور و دست در دست آنها که هر کدام قصه‌ای از تاریخ کهن در سینه دارند پیش می‌روی. جاده‌ای پیچ در پیچ و سحرانگیز که هر لحظه، جلوه‌ای تازه از طبیعت بکر خود را به شما نشان می‌دهد و چون قماری عاشقانه از نوع طبیعت دوستی طمع می‌کند تا انتها این بازی چشم‌نواز و دل‌با را ادامه دهی.

در طول مسیر می‌توانی در کلبه‌های چوبی و آلاچیق‌ها توقف کوتاهی داشته باشی و با چای زغالی، آش گرم و غذاهای خوشمزه‌ی شمالی از خود پذیرایی کنی و خاطره‌ای خوش از این جنگل زیبا در ذهن خود بسازید. هنرمندانی که با لنز جادویی دوربین‌های خود به دنبال شکار لحظات و صحنه‌های بکر و طبیعی هستند، می‌توانند در جنگل انبوه دالخانای از صحنه‌های بدیع و نفس‌گیر آن، که مانند یک تابلوی نقاشی جادویی که برگ‌ریزان پاییزی را در زیباترین جلوه‌ی خود نمایش می‌دهد لحظات به یادماندنی و خارق‌العاده‌ای را خلق نمایند و تصاویر جاودانه‌ای از رخت‌های سبز و مخملی که درختان پوشیده‌اند، ثبت کرده و در این دریای مه‌آلود، چشم نوازترین اثر هنری خود را بیافرینند.

رسانده و ناهار خود را صرف می‌کنیم. از آنجا که شیرینی و لذت این گردش حسابی به مذاق دوستان خوش آمده است، در حین صرف ناهار، برای فردا نیز برنامه گشت در جنگل‌های دالخانای را برنامه‌ریزی می‌کنیم.

پس از صرف ناهار بلافاصله برای استراحت به سمت اتاق‌های خود می‌رویم. بعدازظهر و شب آن روز نیز با دوره‌می‌های دوستانه، آراستن بزم موسیقایی، صرف چای و تنقلات در آلاچیق‌ها، شوخی، سر به سر گذاشتن‌ها، هم‌صحبتی‌های شیرین و قدم زدن‌های دو نفره و چند نفره شبانه در طول خط ساحل به پایان می‌رسد.



روز پنج‌شنبه‌ی آفتابی هم از راه می‌رسد و انتخاب یک جنگل نوردی در حال و هوای پاییز، عیش این روز را کامل می‌کند. مسافران جنگل دالخانای از قبل با همان مینی‌بوس دیروزی توافق کرده و با استفاده از آن، عازم جنگل‌های دالخانای می‌شوند. گروهی دیگر از دوستان در اردوگاه مانده و عده‌ای دیگر به شیرود و شهر تنکابن سری می‌زنند.

جنگل دالخانای کجاست و چرا باید به این مقصد گردشگری جذاب رفت؟ این شاهکار مه‌آلود طبیعت ایران در ۳۰ کیلومتری جنوب شرق شهر رامسر و در ارتفاع ۸۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است.

دالخانای از زیباترین و بکرترین جنگل‌های ایران محسوب می‌شود و کوهستانی بودن آن، این شاهکار

راه رفتن زیر باران (نابینایان و مواجهه با تمسخر و پنهان کاری دیگران) مسعود طاهریان: دانش پژوه حوزه روانکاوی

پیش میاد در فضای اجتماعی و شغلی آدم با نابینایی آشنا نباشن و بعضی موقع‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه سر کارمون بذارند؛ به خاطر ندیدن بهمون بخندن؛ چیزی رو ازمون پنهان کنن یا سعی کنن مسائل رو به جور دیگه نشون بدن. می‌تونه این کارا حسابی اعصابمون رو به هم بریزه و چوبی باشه در چرخ روابطمون. اولین جایی که به افراد مشاوره دادم، مدرسه‌ای بود که توش تجربه‌های این جوری زیادی داشتم. اونجا بیشتر مراجعینم رو سایرین بهم ارجاع می‌دادن. اکثرشون قبلاً من رو ندیده بودن و هیچ شناختی از آسیب بینایی نداشتن. خیلی هم سطح تحصیلات و اطلاعاتشون بالا نبود. چند بار اونجا شرایطی برام پیش اومد که عمیقاً دلم می‌خواست زمین و آسمون رو بهم بدوزم و دبه رو زمین بکوبم و برم کنج خونه بشینم و بگم اصلاً آقا خر ما از گرگی دُم نداشت که نداشت. شاید برای روشن شدن موضوع، حرف زدن درباره دوتاشون بد نباشه.

یه بار همکارانم دختر هفت ساله‌ای رو بهم ارجاع دادن که مشکوک به اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی بود. مادرش علاوه بر فرزند بزرگش، پسر چهار ساله خودش رو هم آورده بود. توی مدرسه جای امن و مناسبی نداشتیم که بچه‌های کوچولو منتظر بموندن و بازی کنند و کسی مراقبشون باشه. پس کل خانواده اومدن توی جلسه مشاوره. بودن دو بچه کم سن و سال، مدیریت فضا رو برام حسابی سخت کرد. حالا گرفتاری واقعی این بود که اونا اصلاً هیچ شناخت و آگاهی نسبت به فرد و به تبع متخصص نابینا نداشتن و تقریباً نتونستن باهاش کنار بیان و با من ارتباط بگیرن؛ بنابراین وقتی هر اتفاقی می‌افتاد که ربطی به ندیدن داشت، همگی می‌خندیدند و مسخره بازی در می‌آوردن؛ مثلاً وقتی از بچه‌ها خواستم نقاشی‌شون رو برام توضیح بدن، صریح و

خلاصه اینکه زبان قاصر و قلم عاجز از توصیف این همه زیبایی است. برای تجربه و درک این همه لذت و زیبایی باید شال و کلاه کرده، گیوه‌ها را ور کشید، کوله را بر دوش انداخته و قصد دیدار دوست نمایید تا با حس خش خش برگ‌های خزان‌زده در زیر پاهایتان هنگام قدم زدن در دل جنگل دالخان، زیبایی و لطافت آن را جرعه جرعه در کنه وجود بریزید و از این همه طراوت و تازگی لبریز شوید.

«شنیدن کی بود مانند دیدن. برید از اونا بپرسید که شنیده‌ها را دیدن».

دوستان محظوظ از این همه زیبایی، کمی در این جنگل دل‌فریب قدم می‌زنند و در دکه‌های آن از خود پذیرایی می‌کنند. با حسی سرشار از آرامش، زیبایی، تازگی و نو شدن، به جنگل نوردی خاطره‌انگیز خاتمه داده و به سمت اردوگاه برمی‌گردیم. بعدازظهر روز پنج‌شنبه نیز با دوره‌می دوستانه، قدم زدن در ساحل و نشستن بر روی سنگ‌ها و صخره‌های لب ساحل و لذت بردن از امواج دریا و زیبایی‌های آن می‌گذرد. پس از صرف آخرین شام، با پیشنهاد گروهی از دوستان خوش ذوق، آمفی تئاتر مجموعه را برای ساعاتی در اختیار می‌گیریم و با اجرای برنامه‌های شاد، اعم از اجرای موسیقی زنده، مسابقه‌های گوناگون، حرف‌های شیرین چون نبات و خیلی از شیرین کاری‌های دیگر، خاطره‌ی آخرین شب را نیز جاودانه می‌سازیم. پس از این برنامه نیز خیلی سریع به جمع‌آوری وسایل و آماده‌سازی ساک‌ها، کوله‌ها و چمدان‌ها می‌پردازیم. چون هر آغازی پایانی دارد، سفر خاطره‌انگیز ما نیز جمعه صبح به نقطه‌ی پایانی خود می‌رسد و بلافاصله پس از صرف صبحانه به سمت تهران حرکت می‌کنیم.

جای سایر دوستان سبز

صلاح‌الدین محمدی

۱۴۰۳/۹/۹

وقتی روان درمان نابینا است نیاز به این المان‌های کمکی و تیم همراه می‌تونه بیشتر احساس بشه.

یه بار دیگه توی مدرسه مراجع بزرگسالی با شکایت ترس و نگرانی مفرط و نخوابیدن یه هفته‌ای پیشم اومد. شخصی حساس و ترسو به نظر می‌رسید و این ویژگی با دیدن کابوسی تشدید شده بود. بهم گفت دو روزه همسرش به خاطر نگرانی و بی‌قراریش به سر کار نرفته و خونه کنارش مونده. با توجه به شکایت مراجع (یعنی بی‌قراری شدید، نخوابیدن یه هفته‌ای و مختل شدن کارکرد خانوادگی) اولین چیزی که به ذهنم رسید ارجاع به مرکز مشاوره منطقه و متخصص روان‌پزشک بود. ولی حین هماهنگی‌های ارجاع با مقاومت مراجع مواجه شدم و در نهایت به ارائه پیشنهاداتی برای مدیریت ترس اکتفا کردیم. حالا مسئله مربوط به ندیدن این بود که در ابتدای جلسه به نشانگان جسمی و غیر کلامی مراجع توجه نکردم. اصلاً خستگی ناشی از یه هفته نخوابیدن، بی‌قراری ناشی از ترس مفرط و عدم انسجام ذهنی در مراجع نبود و من به عنوان متخصص نابینا بی‌توجه به علائم صوتی، تنه‌ها حکم به صداقت گفته مراجع گذاشتم و مداخله‌ام رو مبتنی بر خدمات دارویی و روان‌پزشکی در نظر گرفتم و سریع هماهنگی‌های لازم رو برای ارجاع انجام دادم؛ اما چون برای مراجع علائم آن قدر آزار دهنده نشده بود تا ارجاع به مرکز مشاوره و جلسه مجدد روان‌درمانی را بپذیرد، پیشنهادم رو رد کرد.

اینم یکی از تجربه‌های جالبم در فضای روان‌درمانی بود. حتماً پیش میاد که بعضی از مراجعین مقدار یا تمام واقعیت رو پنهان کنن. به خاطر همین روان‌درمان چه بینا و چه نابینا باید متوجه تناقض بین ابراز کلامی و غیر کلامی باشه و اون رو تحلیل کنه. در این زمینه به قول کتاب: بدن هرگز دروغ نمی‌گوید نوشته آلیس میلر علائم بدنی و صوتی و حرکتی مراجعین حسابی به کار

بی‌رودربایستی پرسیدن مگه متوجه میشی؟ یا وقتی خودکارم افتاد و روی زمین دنبالش گشتم، با پوزخند گفتند نمی‌توننی پیداش کنی.

در کل تجربه پرفشار جالبی بود. ما نابینایان در فضای کاری و تخصصی مون بی‌شک با چنین چالش‌هایی روبرو می‌شیم. فکر می‌کنم می‌تونیم با اقداماتی اون‌ها رو مدیریت کنیم؛ مثلاً دانش و مهارت تخصصی مون رو بالا ببریم تا جایگاهی در ذهن افراد پیدا کنیم که اشتباهات ناشی از ندیدن خیلی اهمیت نداشته باشه؛ روی پذیرش معلولیت مون کار کنیم تا برخوردهای نامناسب بقیه به هممون نریزه؛ شیوه صحیح ارتباط با افراد بینا رو متناسب با شرایط نابینایی مون تمرین کنیم؛ در روابط بین فردیمون خوش اخلاق و خوش رفتار باشیم؛ آخرم یاد بگیریم چه طور مسئله نابینایی و انجام فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی همراه با معلولیت رو برای اشخاص بینا توضیح بدیم.

این رو هم بگم اگه الان بود، شاید سراغ تجربه بالا نمی‌رفتم. آخه مراجع کم سن و سال بود و نشانگان بیش فعالی داشت و کودک خردسالی همراهش بود و مدرسه‌مون امکانات پذیرش و بررسی چنین افرادی رو نداشت. چه بینا باشیم و چه نابینا، مسئولیت نداریم خودمون رو به آب و آتش بزنیم و هر مراجعی رو بپذیریم. بستر باید فراهم باشه تا بتونیم خدمت حرفه‌ای ارائه بدیم. فراهم نشد، نایبستی اصرار به جبران افراطی داشته باشیم. ارائه خدمت به هر وضعی خودش نیاز به تحلیل و بررسی داره. باید بپرسیم:

«چی شده در هر شرایطی دلمون می‌خواد به کارمون ادامه بدیم؟»

تازه در زمینه کار با کودکان، آزمون‌های تشخیصی، تجهیزات کمکی و مشاهده زبان بدن و هیجانات فاکتورهای اساسی هست که باید در نظر گرفت. توی خیلی مراکز، برای رفع مشکلات کودک یه تیم با تخصص‌های مختلف با مشاور کودک همکاری می‌کنن.

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقبه شفیعی: آموزگار دانش‌آموزان با آسیب

بینایی



از میان صدای خش خش برگ‌های پاییز می‌گذریم و با آوای باران به سراغ نوای موسیقی می‌رویم تا از میان حرکت انگشتان بر روی تارها نظاره‌گر زندگی کسانی باشیم که روح و جسم خود را در راه یادگیری و یاددهی این هنر زیبا فدا کرده‌اند.

میزبان مبین دهقانیان شده‌ایم، جوانی که از کودکی به فراگیری موسیقی اهتمام داشته و دوره آکادمیک را هم به آموختن هرچه بیشتر آن اختصاص داده است. وی نوازنده پیانو است و تحصیلات خود را نیز در رشته پیانو در مقطع کارشناسی ارشد دانشکده هنر دانشگاه تهران ادامه می‌دهد. دهقانیان بیست و چهار ساله حدود هفده یا هجده سال است که با موسیقی آشناست ولی موسیقی جدی را از ده یا دوازده سالگی با نت خوانی بریل نزد داود جعفری شروع کرده است.

دهقانیان در شروع صحبت‌های خود تأکید دارد که نوازندگی به بینایی نیاز ندارد و تمام نوازنده‌های حرفه‌ای هنگام نوازندگی چشمان خود را می‌بندند؛ او اشاره می‌کند که بینایی حسی نیست که سرعت انگشتان را از حد خاصی بیشتر دنبال کند. محدودیت در موسیقی برای

روان‌درمان نابینا می‌آید. نباید اون‌ها رو نادیده بگیره و تنها مبتنی بر گفتار مراجع، حکم و تکنیکی رو دنبال کنه.

برای مثال مراجع بالا اصلاً خواب‌آلوده صحبت نمی‌کرد؛ پرش فکری و زبانی نداشت؛ کاملاً صاف و محکم روی صندلی نشسته بود؛ تن و لحنش عادی بود؛ عاطفه و هیجان‌اتش رو در کلام و گفتار طبیعی بروز می‌داد. منم وقتی متوجه این نشانه‌ها شدم، فرایند کارم رو تغییر دادم. این مسئله تجربه‌ای شد که در روان‌درمانی‌های بعدی حواسم رو جمع کنم؛ عجله‌ای برای تموم کردن مصاحبه تشخیصی در مدت کوتاه نداشته باشم؛ عوامل جسمانی رو در نظر بگیرم؛ نگاهی به مسائل خلقی، عوامل اضطراب‌زا، بیماری‌های جسمانی و داروهای مصرفی مراجع بندازم؛ بعد عوامل زمینه ساز، آشکار ساز و تداوم بخش مشکلات رو بررسی کنم. حتی می‌تونم از مراجع تست‌هایی مثل (ام ام پی آی) بگیرم تا متوجه وانمود خوب، وانمود بد و مقاومتش بشم.

حرف آخر اینکه ما نابینایان لازمه با خودمون همدلی داشته باشیم و بدونیم بسیاری از بزرگان هم اشتباهات فاحشی در زمینه کاریشون انجام دادن و باعث شده مراجعینشون مقاومت پیدا کنن یا برن و دیگه پشت سرشون رو نگاه نکنن. مهدی اخوان ثالث می‌گه:

مرد و مرکب گرم رفتن لیک

ماندگی نپذیر

خستگی شناس

رخش رویین گرچه هر سو گردباد می‌انگیخت

این بود ماجرا و روایت من. شما هم از تجربه‌های زیسته‌تون بگید.

در چنین شرایطی شما حواستون به چه چیزهایی هست و چه کارهایی می‌کنید؟

به انتشار آن می‌پردازد و یا ویدیوهایی از استاد پیانوی قرن بیستم از آن جمله آثاری هستند که راجع به‌شان در پادکست نکات مهمی را خواهید شنید.

دهقانیان به عنوان حرف پایانی برای دوستانش بیان می‌کند که: هنر گرچه وسیله‌ای برای لذت بردن از زندگی است، اما خودش یک زندگی جداست؛ یعنی نمی‌شود دست در آب گذاشت و انتظار داشت تا شنا یاد بگیریم! اگر واقعاً می‌خواهیم وارد رشته هنر شویم این موضوع مستلزم یک تلاش بزرگ است. گاهی در فرهنگ ما این گونه یاد گرفته‌ایم که تلاش به منزله ریاضت کشیدن است؛ که در مورد ساز یعنی به مدت طولانی پای ساز بنشینیم و ساز بزینیم که در بلند مدت موجب دیسک کمر و گردن می‌شود و بعد از آن آرتروز مفاصل و بیماری‌های دیگر را به دنبال دارد؛ این یک اشتباه است؛ تلاش در اینجا به معنی تلاش ذهنی است و من در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌ام که دست کاری را می‌کند که ذهن فرمانش را صادر کرده باشد؛ پس برای تمرکزتان بیشتر تمرین کنید و اگر می‌خواهید وارد رشته هنر شوید حتماً ورزش بخش مهمی از زندگیتان باشد. حتماً باید تلاش کرد تا بعد بتوان از آن تلاش لذت برد.

همراهان می‌توانند برای تهیه کتاب‌ها و منابع مطالعاتی خود به بخش‌های نایبانیان و کم‌بینانیان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مراجعه کنند.



نایبانیان را فقط در حفظ کردن قطعات توسط آنها برای نواختن می‌داند. این در حالی است که نوآموزان بینا، نت را جلوی دست‌شان می‌گذارند و شروع به نواختن می‌کنند تا هماهنگی لازم بین دست و دانش‌شان فراهم شود.

نکته دیگر این است که معلم هنگام آموزش ساز به نایبنا، -فرقی ندارد چه سازی باشد- باید زمان بیشتری اختصاص دهد تا فرد نایبنا با محیط سازگاری پیدا کند و این مستلزم وقتی است که کم‌کم بشود ساز را به عنوان یک جسم خارجی مثل بدن خود بشناسند. یکی از ویژگی‌های مهم هنر این است که فرد را از اتاق امن خود بیرون می‌کشد در حالی که افراد نمی‌خواهند از اتاق امن خود بیرون بیایند و به دایره شنیدار خود شک کنند.

دهقانیان برای کسانی که قصد شنیدن موسیقی‌های خوب و گوش کردن به قطعات با کیفیت را دارند به معرفی پلتفرم‌هایی می‌پردازد که حتی در یادگیری هم می‌تواند به آنها کمک شایانی کند. این پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌ها به گونه‌ای هستند که برای تاک‌بک و ان‌وی‌دی‌ای هم دسترسی‌پذیری دارند و از این رو بسیار کاربردی و مفید هستند. شرح توضیحات درباره سایت‌ها و پلتفرم‌های موسیقی را می‌توانید در پادکست دنبال کنید.

دهقانیان در معرفی شخصیت‌های برتر در موسیقی و زندگی‌های آنها نیز کتاب‌هایی را معرفی می‌کند تا هنر دوستان و هنرجویان بتوانند با زندگی و آثار بزرگان این حوزه آشنا شوند و با فراغ بال بیشتر دست به انتخاب راه خود بزنند. از جمله آثار معرفی شده کتاب (۱۰۱ اثر ممتاز از بزرگان موسیقی جهان تألیف مارتین بوک اسپن با ترجمه علی اصغر بهرام بیگی که در آن به زندگی ۳۶ موسیقی‌دان و معرفی آثارشان پرداخته شده و کتاب درک و دریافت موسیقی اثر راجر کیمی‌بن با ترجمه حسین یاسینی و همچنین پادکست‌هایی در شناخت و درک و دریافت موسیقی از شاهین فرهنگ که نشر ماهور

بصری به طوری که بتوانند با آن درگیر شوند یکی از اهداف مهم توصیف صوتی است. افراد نابینا به حمایت توصیفی نیاز دارند، این یک نیاز اجتماعی و یک حق است. توصیف تجربه بهتری از فیلم دیدن به نابینایان و کم‌بینایان می‌دهد. هنگام تماشای فیلم، توصیف تصاویر بصری تماشاگر نابینا را به درک کامل‌تری می‌رساند.

۲- کم‌کاری نهادهای حمایتی

توسعه توصیف صوتی تجربی علاوه بر نیاز نابینایان، در کنار اهمیت ندادن نهادهای دولتی و حمایتی به حق دسترسی آسان افراد دارای مشکلات بینایی به محصولات فرهنگی و هنری مانند فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی و خارجی، بیشتر احساس می‌شود. در هر جامعه‌ای اگر نهادهای مسئول، در انجام وظایف خود کوتاهی کنند، خلأ حضور آنها ممکن است به شکل دیگری پر شود. توصیف صوتی کردن فیلم‌ها برای نابینایان توسط حامیان آنها و یا حتی خود گروه‌های دارای معلولیت بینایی انجام شده است. اهمیت ندادن دستگاه‌های دولتی به حق دسترسی نابینایان و کم‌بینایان به محصولات فرهنگی، از دلایل توسعه AD تجربی است. مجهز نبودن سینماها به سیستم AD و اختصاص ندادن بخشی از برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی به فیلم‌ها و سریال‌های توصیف صوتی شده برای مخاطب کم/نابینا، از دیگر خلأهایی است که گروه‌هایی مانند سوینا و گوش‌کن را وارد این عرصه کرده است.

۳- نبود دستورالعمل‌های مشخص و پژوهش

چارچوب مشخص می‌تواند افراد فعال را در مسیری درست قرار دهد، اما نبود آن باعث توسعه AD تجربی می‌شود. گاهی «فرایند تولید AD فیلم» که تقریباً در همه گروه‌ها با کمی جابجایی شبیه هم انجام می‌شود با استانداردها و دستورالعمل‌های لازم برای تولید این محصول اشتباه گرفته می‌شود. در کشورهای مختلف سازمان‌های متولی امور رسانه و یا تلویزیون ملی آنها استانداردهای مشخصی برای توصیف کنندگان صوتی

نفاشی با کلمات (قسمت یازدهم): علت توسعه توصیف صوتی تجربی در ایران جواد سقا: دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات



- پیش از این به گروه‌های تولید توصیف صوتی فیلم در ایران اشاره شد، حال به علل توسعه توصیف صوتی تجربی پرداخته می‌شود. تماشای فیلم‌های دارای شرح صوتی نیاز امروز نابینایان و کم‌بینایان است. مناسب سازی فیلم برای آنان به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نهادهای رسمی نیاز دارد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد علل توسعه توصیف صوتی تجربی در ایران، نیاز کاربران، نبود نهادهای حمایتی، نبود دستورالعمل مشخص، پیشرفت فناوری و کار داوطلبانه و توانمند شدن آماتورهاست.

۱- نیاز کاربران

نیاز، می‌تواند اولین و مهمترین عاملی توسعه تولید AD تجربی در ایران باشد. نیاز جامعه مصرف کننده، برخی از طرفداران و بخشی از مصرف کنندگان را تشویق به ورود در حوزه‌ای کرده است که شناخت چندانی از آن ندارند. تماس فردی از انجمن نابینایان با تهیه کننده رادیو سینما و تشویق او به ادامه تولید چنین برنامه‌ای، نشان دهنده نیاز آنها به توضیح‌دار کردن فیلم‌هاست. آنها دوست داشتند در فیلم دیدن مستقل باشند. هدف توصیف صوتی دستیابی تماشاگران نابینا به اطلاعات بصری است که جزء ضروری تجربه آنهاست.

همان طور که بنک (۲۰۰۴) می‌گوید، کمک به مردم برای درک کامل و لذت بردن از یک محصول سمعی و

فعال شود. برخی گروه‌ها مانند سوینا با حمایت پلتفرم‌هایی مانند فیلیمو که از امکانات تبلیغاتی و تولید بهتری برخوردارند توانستند در مقطعی تولیدات توصیف صوتی شده بیشتری را در اختیار مخاطبان نابینا و کم‌بینا قرار دهند.

۵- توانمند شدن آما توره‌ها

در دهه اخیر، گسترش روزافزون فناوری‌های اینترنت طرفداران را در عرصه فضای مجازی قدرتمند کرده است، یعنی به جای آنکه طرفداران این گونه فیلم‌ها، مصرف کنندگان محصولات رسانه‌ای باشند، تولید کنندگان این گونه محصولات شده‌اند. این مورد خاص فعالان تجربی رسانه را هم شامل می‌شود. این تولید کنندگان صرفاً تجربی با سلیقه خود قواعد لازم برای توصیف صوتی را اعمال کرده‌اند و این قدرت آما توره‌های با تجربه را بالا می‌برد که می‌توانند چالشی در انتقال درست مفاهیم بر اساس استانداردهای توصیف صوتی باشند. با استناد به نظر آنتونینی و بورسیا، (۲۰۱۶)، فعالان AD تنها با تکیه بر آشنایی نسبی در حوزه‌های فیلم و سینما و یا سایر حوزه‌ها کار نویسندگی متن توصیفی فیلم را آغاز کرده‌اند و این از نظر آنان کافی است. از نگاه این تولید کنندگان، برداشت آنها از تصویر و متنی که برای آن می‌نویسند، درست‌ترین است، حال آنکه به نقل از نورنز تصمیم‌های توصیف کنندگان تجربی می‌تواند بر اساس حس و غریزه باشد (نورنز، ۲۰۰۷). آنها بیشتر تمایل دارند در نهایت اصول و استانداردها را یک بار مطالعه کنند و شاید این به دلیل جدی نگرفتن تولید AD فیلم به عنوان یک حرفه در ایران است. البته مطالعه به تنهایی نمی‌تواند توانمندی را بالا ببرد، زیرا لازمه آن درک و به کارگیری درست استانداردها بر اساس آموزش است. آموزش و کسب مهارت سطح کیفی کار توصیف صوتی فیلم را بالا می‌برد و مخاطبان درباره تولیدات AD قضاوت می‌کنند، زیرا برخی چیزها در طول زمان مشخص می‌شود.

فیلم تدوین کرده‌اند که گروه‌های فعال، موظف به رعایت آن هستند. در ایران اقدامی از طرف سازمان‌های دولتی برای تهیه دستورالعمل‌های تولید AD مناسب و ویژگی‌های توصیف کنندگان صورت نگرفته است. اگر چه استانداردهای توصیف صوتی، در نظر گرفتن نیاز تماشاگر نابینا، تأثیر انواع توصیف‌ها (AD) بر مخاطب و لزوم آموزش نویسندگان و گویندگان توصیف صوتی فیلم برای نابینایان در سطح بین‌الملل توسط پژوهشگران متعددی بررسی شده است، اما در ایران پژوهشی در حوزه استانداردهای توصیف صوتی انجام نشده و مقالات انگشت شمارند. این امر باعث می‌شود افراد داوطلبی که به گروه‌های تولید کننده AD می‌پیوندند، نگاهی ساده انگارانه به توصیف صوتی فیلم داشته باشند. آنها با توجه به درک و خوانش خود از تصاویر بصری متن توصیف‌ها را می‌نویسند. وجود یک چارچوب مشخص می‌تواند فعالان این عرصه را در جهت ارائه مطلوب‌تر تولیدات و حرفه‌ای شدن هدایت کند.

۴- دسترسی آسان به فناوری‌ها

پیشرفت فناوری حوزه‌های مختلفی از جمله توصیف صوتی فیلم برای نابینایان را هم تحت تأثیر قرار داده است. از جمله آثار پیشرفت فناوری در حوزه تولید فیلم‌های دارای توصیف صوتی، به وجود آمدن گروه‌های مجازی تجربی است. این گروه‌ها فیلم سینمایی و سریال را برای دیگر نابینایان و کم‌بینایان با تکیه بر سلیقه خود روایت و از طریق فضای مجازی پخش می‌کنند. بعد از توقف برنامه‌های رادیو سینما و رادیو فیلم که از امکانات رادیویی بهره می‌بردند، فعالیت گروه‌های مستقل اینترنتی، با گسترش استفاده از شبکه‌های مجازی و پیام‌رسان‌ها در ایران آسان‌تر شد. با دسترسی آسان همه افراد به انواع نرم‌افزارهای صداگذاری که همیشه در دسترس است، تولید AD فیلم آسان شده است. فناوری جدید توانسته امکانی فراهم کند تا حتی یک فرد هم به تنهایی بتواند در این حوزه

کم‌بینایی را ندیده‌ام که از این طرز فکر احساس رضایت داشته باشد یا حتی نسبت به آن بی‌اهمیت باشد.

شاید تعجب کنید اگر به شما بگویم برخی از هم‌نوعانم برای آنکه این نگاه را در بین اطرافیان‌شان تغییر دهند در جمع‌های دوستانه خود از شیطنت‌هایشان تعریف می‌کنند البته گاهی بزرگمایی هم می‌کنند تا بتوانند کمی این حس ناخوشایندی که برایشان به وجود آمده را حداقل در آن جمعی که حضور دارند از بین ببرند و انصافاً هم بسیار موفق هستند و در برخی موارد هم کمی زیاده‌روی می‌کنند.

می‌توان گفت نگاه به توانایی‌های یک فرد دارای آسیب بینایی در جامعه نگاهی صفر و صدی است، افراد یا در مواردی یک فرد نابینا یا کم‌بینا را بسیار ناتوان و گوشه‌گیر می‌بینند یا فرد دیگری را آن قدر توانمند و باهوش می‌دانند که در صحبت‌هایشان در مورد هوش و حافظه او را مثال می‌زنند. در نگاه این افراد نابینا یا کم‌بینای عادی نداریم؛ اما همه ما می‌دانیم هرگاه با انسان سر و کار داریم هیچ گاه نمی‌توانیم صفر و صدی باشیم. به قول معروف هیچ کس کاملاً سیاه یا کاملاً سفید نیست بلکه همه افراد خاکستری هستند (خاکستری رنگی است در وسط رنگ‌های سفید و سیاه) به بیان دیگر در علوم انسانی افراد را نمی‌توان در یک ویژگی کاملاً منفی یا کاملاً مثبت در نظر گرفت و صرفاً می‌توانیم بگوییم افراد با یکدیگر در فلان ویژگی متفاوت هستند.

اصلاً چه طور این نگاه‌ها در جامعه شکل می‌گیرد؟ به نظر شما بیشترین سهم در تغییر نگاه غلط و به وجود آوردن نگاهی که در جامعه با واقعیت متناسب باشد بر عهده چه گروهی است؟

اولین پاسخ من برای این پرسش‌ها رادیو و تلویزیون است که می‌تواند نقش پررنگی را در ایجاد یک نگاه در جامعه و یا تغییر یک نگاه غلط ایفا کند اما از آنجایی که هدف من در این نوشته‌ها سخن گفتن با هم‌نوعانم است

نمی‌توانم در جامعه نباشم: نگاه به من در جامعه

آرمین رسولی: آکادمی نابینایان



نگاه به یک فرد دارای آسیب بینایی را در جامعه می‌توان از جنبه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار داد اما من می‌خواهم به رایج‌ترین و پرتکرارترین این نگاه‌ها بپردازم.

اولین عاملی که به نظر من موجب یک نگاه نسبتاً مشترک در عموم جامعه در مورد نابینایان و کم‌بینایان خواهد شد همین عنوان روشندل است که باعث می‌شود اگر فردی برای نخستین بار با یک فرد دارای آسیب بینایی روبرو شود در ذهن خود او را یک فرد پاک و معصوم بداند و متأسفانه از فرد دارای آسیب بینایی بخواهد تا برایش دعا کند با این نگاه که افراد نابینا انسان‌های معصوم و بی‌گناهی هستند. من قصد ندارم در این نوشته به درستی یا نادرستی این مطلب بپردازم اما همه ما می‌دانیم این نگاه برای اکثر هم‌نوعان ما بسیار آزار دهنده است. دست کم تا به حال من نابینا یا

باشد و این نتایج می‌تواند در پیدا کردن شغل مناسب و ازدواج به خوبی خود را نشان دهد، ولی نباید از این مسئله غافل شد که نگاه به یک فرد دارای آسیب بینایی دو جنبه دارد، نگاه عموم جامعه در مورد افراد نابینا و کم‌بینا و نگاه افراد یک جامعه در مورد فرد نابینا یا کم‌بینا، به بیان دیگر یک نگاه عمومی وجود دارد که ما در تلاش برای اصلاح آن هستیم و یک نگاه فردی که هر شخص دارای آسیب بینایی برای خود می‌سازد و این همان است که مثلاً شما نگاهی که به فرد نابینایی دارید نسبت به فرد دیگری که او هم نابینا است نخواهید داشت و این همان شخصیت اجتماعی او است که به شما یک شناخت در مورد خود داده و همه افراد با توجه به آن با یک فرد تعامل خواهیم داشت.

مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در شکل‌گیری این نگاه فردی تأثیرگذار باشد را می‌توان در چند مورد نام برد. اول داشتن تحصیلات، دوم داشتن شغل و مورد سوم که از نظر من اساسی‌ترین مورد در تشکیل یک نگاه خوب به خود در جامعه است، داشتن اخلاق و منش خوب است که این عامل سوم خود به تنهایی می‌تواند فرد نابینا یا کم‌بینا را حتی در صورت نداشتن تحصیلات و شغل به یک فرد محبوب و اجتماعی بدل کند. مطمئنم شما هم حتماً این دسته از هم‌نوعانمان را می‌شناسید و به دوستی و آشنایی با آنها افتخار می‌کنید و از معاشرت با آنها لذت می‌برید.



بیایید به سهم خودمان بپردازیم که شاید هم در ظاهر نتوانیم به اندازه رادیو و تلویزیون تأثیرگذار باشیم اما برخلاف تصور ما به شدت می‌توانیم تأثیرگذار باشیم.

اولین قدم آن است که ما در جامعه حضور مؤثر داشته باشیم منظور من از حضور مؤثر آن است که به عنوان مثال اگر من فردی هستم با آسیب بینایی که به دانشگاه می‌روم کلاس‌های دانشگاه فرصت فوق‌العاده‌ای برای فرهنگ‌سازی و ایجاد نگاه صحیح به افراد دارای آسیب بینایی است. من بارها در دوران تحصیل از اساتید خود خواسته‌ام که فرصتی را در ابتدا یا انتهای کلاس به من بدهند تا برای دانشجویان در مورد نحوه برخورد با افراد دارای آسیب بینایی و ارتباط صحیح با این افراد صحبت کنم و در نهایت با استقبال خوبی هم از جانب اساتید و هم از طرف دانشجویان مواجه شدم، شاید این قدمی کوچک باشد اما تصور کنید تمام نابینایان و کم‌بینایانی که در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل هستند که تعدادشان هم کم نیست این اقدام را انجام دهند آن وقت است که به یک کار بزرگ تبدیل می‌شود و در آینده‌ای نه چندان دور تغییرات بزرگی را ایجاد می‌کند.

اتفاقاً همین چند روز پیش ویدیویی به دستم رسید که محتوای بسیار جالب داشت، دبستانی را نشان می‌داد که چند تن از هم‌نوعانمان در طرحی بسیار تحسین برانگیز کارگاهی را برای دانش‌آموزان دبستانی برگزار کرده بودند تا آنان را با ویژگی‌های یک فرد دارای آسیب بینایی (نابینایی و کم‌بینایی) آشنا کنند، این افراد دانش‌آموزان را با خط بریل، عصای سفید و صفحه‌خوان موبایل آشنا کردند و کوچک‌ترین نتیجه این کار بسیار زیبا آن است که این دانش‌آموزان با دیدن یک فرد دارای آسیب بینایی در جامعه هم نحوه درست کمک کردن به او را به خوبی می‌دانند و هم نگاه صحیح و منطبق با واقعیت را در نسل آینده به وجود می‌آورد.

در نهایت می‌توان گفت اصلاح نگاه به افراد دارای آسیب بینایی در جامعه نتایج بسیار چشم‌گیری را می‌تواند داشته

از منظر فدراسیون به عنوان مسئول برگزاری و توجه به ورزشکاران در بعد قهرمانی، شاهد عدم حمایت فدراسیون نایبانیان از ورزشکاران حرفه‌ای و عدم پیش‌بینی حضور در تورنمنت‌های مختلف جهت آمادگی ورزشکاران برای شرکت در رقابت‌های داخلی و بین‌المللی هستیم. از سوی دیگر، اماکن ورزشی جهت حضور نایبانیان مناسب‌سازی نشده‌اند و مدیران باشگاه‌ها نایبانیانی که می‌خواهند در محله‌های خود جهت حفظ سلامتی ورزش کنند را ثبت‌نام نمی‌کنند و مربیان ورزشی برای تمرین به نایبانیان، آموزشی ندیده‌اند. بسیار مشاهده کرده‌ام مربیان ورزشی، مسئولیت پذیرش یک دختر نایبنا در کنار سایر شاگردان خود را نمی‌پذیرند. در هر حال، نمونه‌هایی که در بالا از آن سخن به میان آمد، تنها گوشه‌ای از محدودیت‌های آشکاری است که بانوان نایبنا با آن دست به گریبانند.

مخالفت خانواده‌ها برای روی آوردن دختران نایبنا و کم‌بینا به ورزش حرفه‌ای و نبود امکانات ایاب و ذهاب برای کسانی که می‌بایست از شهرستان‌های کوچک به مراکز استان بیایند خود قصه پر غصه‌ی دیگریست که پرداختن به آن یادداشت دیگری را می‌طلبد. بخشی از این چالش‌ها باید از دید جامعه‌شناسی و فرهنگی بررسی شود.

ورزش بانوان در نیمی از استان‌های کشور

وجود ندارد

ورزش زنان به رشته‌های گلبال، دوومیدانی، شطرنج و شنا محدود شده است. هر چند در سال‌های اخیر شاهد برگزاری مسابقات ورزشی بولینگ و پاورلیفتینگ برای بانوان نایبنا و کم‌بینا هستیم که به صورت جسته و گریخته برگزار شده است. این در حالی است که حتی شرایط و امکانات چهار رشته نخست به عنوان رشته‌های اصلی بانوان با آسیب بینایی، در بیش از نیمی از استان‌های کشور وجود ندارد. اگر امکاناتی هم باشد، بیشتر برای مردان است تا زنان. به عنوان مثال، در رشته

تبعیض در تبعیض: نگاهی به

محدودیت‌های ورزش برای بانوان نایبنا

اعظم چلوی: عضو تیم شنای نایبانیان و

کم‌بینانیان استان تهران



در ماهی که گذشت، شاهد برگزاری مسابقات قهرمانی کشور و باشگاهی ورزش نایبانیان در رشته‌های مختلف در دو بخش آقایان و بانوان بودیم. به همین بهانه، در این یادداشت، محدودیت‌ها و مشکلاتی که بانوان ورزشکار با آسیب بینایی در کشورمان با آن دست به گریبانند را از نظر می‌گذرانیم.

لزوم توجه به ورزش حرفه‌ای و همگانی

بر کسی پوشیده نیست ورزش کردن تا چه اندازه در سلامت جسم و روان مؤثر است. تحقیقات نشان می‌دهد، فعالیت‌های ورزشی در زندگی فردی و اجتماعی نایبانیان به ویژه بانوان نایبنا تأثیر به‌سزایی دارد. علاقه‌مندان به ورزش، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول افرادی هستند که می‌خواهند یک رشته ورزشی را به صورت حرفه‌ای پیگیری کنند. در این صورت، وجود زیرساخت‌های مناسب و استاندارد جهت انجام تمرینات حرفه‌ای در آن رشته ضروری است. دسته دوم افرادی هستند که می‌خواهند ورزش را جهت تناسب اندام و سلامتی در برنامه روزانه خود داشته باشند. بانوان نایبنا در هر دو زمینه با محدودیت‌های فراوانی مواجهند.

نکته دیگری که در شنای بانوان باعث کاهش انگیزه ورزشکاران می‌شود، نداشتن آینده ورزشی در این رشته و اعزام به تورنمنت‌های بین‌المللی است. مسابقات برای شنای بانوان در ایران، تنها به رقابت‌های قهرمانی کشور محدود شده که آن هم یک روزه جمع می‌شود. برای زنان نابینا در این رشته هیچ اسپانسر نیست تا مسابقات در سطوح باشگاهی برگزار شود. لذا ورزشکاران حرفه‌ای هیچ درآمدی ندارند. هر سال شاهد پیشرفت شناگران هستیم که رکوردشکنی می‌کنند، ولی کسی این تلاش و پیشرفت‌ها را نمی‌بیند. از سوی دیگر، به علت مسئله حجاب و قوانین جمهوری اسلامی، شناگران ایرانی امکان شرکت در مسابقات پارآسیایی، پارالمپیک و جهانی را ندارند. حتی قوانین کشور ما، اجازه شرکت شناگران نابینا در مسابقات کشورهای اسلامی را هم نمی‌دهد.

از این‌رو، ورزشکاران مستعدی مانند ساجده پهلوان از مشهد، نازنین قریشی از اصفهان و سایر شناگران که رکوردهایشان با رکوردهای بانوان غیرنابینا تقریباً یکسان است و اگر راهی مسابقات آسیایی بانوان با آسیب بینایی شوند قطعاً روی سکو خواهند رفت، حمایت نمی‌شوند. چه کسی باید پاسخگوی ظلم مضاعفی که به ورزشکاران این رشته تحمیل شده باشد؟ بارها پیشنهاد دادیم فدراسیون نابینایان و هیئت‌های استانی جوایز مسابقات قهرمانی کشور شنای بانوان را افزایش دهند تا مانع کاهش انگیزه ورزشکاران این رشته شوند، اما گوش شنوایی نیست.

جنس محدودیت‌های بانوان گلبالیست اما به گونه دیگری است. مسائل سیاسی در این رشته و عدم حضور در تورنمنت‌های بین‌المللی، مسابقات جهانی و پارالمپیک باعث کاهش انگیزه در میان ورزشکاران این رشته شده است. تیم ملی گلبال بانوان که علی‌رغم کمبود امکانات و عدم وجود سالن‌های استاندارد همواره در مسابقات آسیایی درخشیده‌اند، به علت حضور اسرائیل در گلبال بانوان کلاً به مسابقات جهانی و پارالمپیک

شنا هر سال نهایتاً ۱۱ استان در مسابقات قهرمانی کشور شرکت می‌کنند. در گلبال که فعال‌ترین رشته ورزشی نابینایان است، همیشه رقابت بین ۱۳ استان است؛ که در بخش باشگاهی به دلیل نبود بودجه و اسپانسر بیش از ۵ تیم شرکت نمی‌کنند. در رشته دوومیدانی از زمان صدور بخشنامه لزوم استفاده از مربیان زن، با توجه به کمبود مربی حرفه‌ای در این رشته، بانوان با مشکلات بیشتری مواجه شده‌اند و در بسیاری از شهرستان‌ها از ورزش حرفه‌ای دست کشیده‌اند. رشته شطرنج هم کم و بیش همین حال و روز را دارد.

تبعیض‌های فاحش علیه بانوان ورزشکار در ایران

بانوان ورزشکار در ایران علاوه بر چالش‌هایی که در بالا مطرح شد، با مشکلات دیگری نیز روبه‌رو هستند. علاوه بر بی‌توجهی مسئولان فدراسیون به رشته‌های ورزشی بانوان، قوانین حاکمیتی و سیاسی نیز بر روی برخی از رشته‌های ورزشی بانوان سایه افکنده است. از منظر نخست، در مسابقات قهرمانی کشور شنای بانوان در سال جاری، علی‌رغم اعلام تاریخ مسابقات از یک ماه قبل، تنها چند روز مانده به برگزاری مسابقات، به یکباره اعلام شد مسابقات شنا به جای دو روز تنها در یک روز به طور فشرده برگزار می‌شود. به همین راحتی برنامه‌ریزی استان‌هایی که قرار بود از راه‌های دور خود را به بابلس برسانند با مشکلات جدی روبه‌رو شد. بسیاری از استان‌ها بلیت‌های برگشت خود را برای شنبه شب و یکشنبه خریداری کرده بودند؛ اما طبق بخشنامه جدید که تنها ۶ روز پیش از برگزاری مسابقات اعلام شد، همه استان‌ها باید جمعه شب یا نهایتاً شنبه صبح اردوگاه را ترک می‌کردند. از طرف دیگر، بسیاری از شناگران در سه رشته انفرادی و دو رشته تیمی شرکت می‌کردند، فضای استخر ۲۵ متری و مکان نامناسب جهت نشستن و استراحت شناگران کار را برای آن‌ها دشوار کرده بود.

رد پای نابینایان در ادبیات داستانی حسین آگاهی

در سفر سومان به دنیای کتاب، این بار به سراغ اثری که یک معلم نابینای ایرانی آن را نگاشته است می‌رویم. کتاب نوری در تاریکی نوشته نکتار شاه‌گل‌دیان. این کتاب را جمشید تولایی فرد طی مصاحبه‌هایی که با خانم شاه‌گل‌دیان داشته تهیه و تنظیم کرده و انتشارات مؤلف در زمستان سال ۱۳۶۲ برای نخستین بار آن را به چاپ رسانده است. شاید در اولین نگاه احساس کنید عنوان کتاب، نامی شعاری است اما پس از مطالعه‌اش پی خواهید برد که اسمش به جا انتخاب شده است.

در این کتاب، خواننده با یک زن معلم و البته نابینا آشنا می‌شود که زندگی او توأم با فراز و نشیب و درد و کمبودها و گاهی نیز نبودها بوده ولی تسلیم نشده است تا بتواند هویتی در خور شأن و مقام یک زن یعنی آنچه که استحقاقش را داشت در جامعه پیدا کند. این یک زندگی نامه واقعی است. با کلامی بس ساده آن گونه که با هم سخن می‌گوییم.

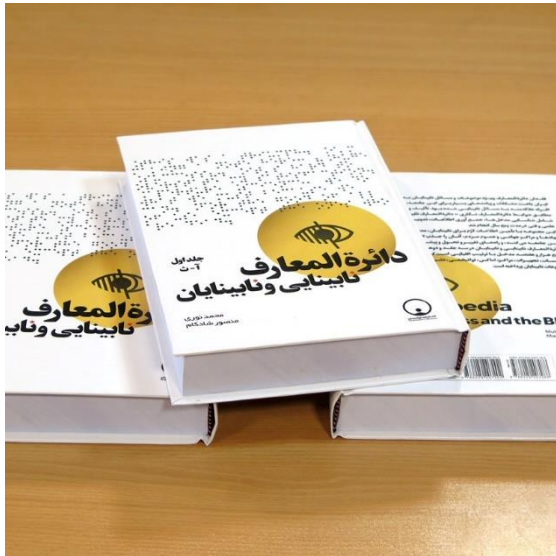
کودکی نویسنده در روستایی حوالی شهر مراغه می‌گذرد و بخش زیادی از این اثر کوتاه را در بر می‌گیرد. توصیفات زیبایی که در کتاب از این روستا و آداب و رسوم و سبک زندگی ارمنی‌های آن منطقه ارائه می‌شود، ما را با قهرمان این داستان واقعی که خودش نیز مسیحی بود، همراه می‌کند. نکتار با وجود اینکه نابیناست همبازی‌هایی دارد و مثل خیلی از آنها از درخت بالا می‌رود و همراهشان جست و خیز می‌کند و مانند خیلی از نابینایان مادرزاد تا مدت‌ها فکر می‌کند همه مثل خودش هستند و اگر با کسی برخورد می‌کند مشکل را از او می‌پندارد که بر سر راهش نشسته است. البته همین ماجراها در حالی که با بیانی طنزگونه روایت می‌شوند بر لذت مطالعه این کتاب می‌افزایند. نویسنده از یک سنی به بعد که می‌فهمد این اوست که نمی‌بیند و با دیگران تفاوت‌های اساسی دارد عمیقاً دچار ناامیدی می‌شود که

اعزام نمی‌شوند. به راستی تا چه زمانی ورزشکاران ایرانی باید با این مسائل دست به گریبان باشند؟ آینده ورزشکاران این رشته‌ها که به دلایل مختلف ضررهای مادی و معنوی بسیاری متحمل می‌شوند را چه کسی باید جبران یا تضمین کند؟ با این محدودیت‌ها آیا هیچ امیدی برای این ورزشکاران باقی می‌ماند جز اینکه باید عطای ورزش حرفه‌ای را به لقایش ببخشند؟

در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس هاجر صفرزاده، به عنوان اولین ورزشکار زن کم‌بینا موفق شد مدال نقره دوی ۴۰۰ متر را از آن خود کند. امری که در رشته دوومیدانی معلولین در حوزه بانوان در تاریخ پارالمپیک سابقه نداشت. هاجر صفرزاده‌ای که با وجود کفش‌های نامناسب (به قول خودش) و فقط با اراده و تلاش شخصی توانست بر روی سکوی پارالمپیک قرار بگیرد. کم نداریم از این بانوان پر تلاش و با اراده که یا امکان شکوفا شدن استعدادهایشان فراهم نیست، یا با وجود قوانین دست و پا گیر در کشور، استعدادشان سرکوب می‌شود.

فدراسیون ورزش نابینایان و کم‌بینایان که چندین سال است نایب رئیس بانوان هم دارد، متأسفانه هیچ حمایتی از ورزش بانوان نمی‌کند. به جز آنکه هر ساله مسابقات قهرمانی کشور را تنها با هدف "از سر خود وا کردن" برگزار می‌کنند، چه حمایت دیگری از این ورزشکاران می‌کنند؟ چه بسیاری از زنان ورزشکاری که تنها علاقه و فعالیتشان در یک رشته خاص است و بسیار با استعداد هستند؛ اما از طرف مسئولان مورد کم لطفی قرار می‌گیرند. فدراسیون نابینایان باید پاسخگو باشد چرا ورزش نابینایان و کم‌بینایان در بخش بانوان فقط در چند استان فعال است؟ آیا فدراسیون پیگیری می‌کند چرا برخی از هیئت‌های استانی در برخی رشته‌ها هیچ ورزشکاری را به تورنمنت‌ها اعزام نمی‌کنند؟ درد دل، سوالات و ابهامات در زمینه ورزش بانوان نابینا و کم‌بینا بسیار است؛ اما چه کنیم که... گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله‌ی ماست، آنچه البته به جایی نرسد، فریاد است.

دایرةالمعارف و توسعه فرهنگی: بررسی احمد رضا به عنوان نمونه محمد نوری: نویسنده و پژوهشگر حوزه معلولیت



بارها از پژوهشگران، شخصیت‌ها، استادان و معلمان قدیمی و بازنشسته یا جدید، نابینا یا بینا از احمد رضا پرسیده و سؤال کردم که او را می‌شناسید؟ از چنین فردی اطلاع دارید؟ پاسخ‌ها منفی بود، حتی یک نفر نام او را نشنیده بود. البته خودم هم نمی‌دانستم و تصادفاً در سال ۱۳۷۸ در کتاب *دانشوران روشندان*، نام او را دیدم؛ و در پی شناخت او برآمدم. ناصر باقری بیدهندی مؤلف این کتاب چهار تا پنج سطر کوتاه، این چنین درباره احمد رضا نوشته:

«احمد رضا با اینکه نابینا بود ولی از استعداد، هوش، فطانت و حافظه بهره بسیار داشت و توانست مجموعه تأثرآوری به نام *اثری از بی‌بصری* را گردآوری و به علاقه‌مندان تقدیم کند. شاید موجب بصیرت ایشان شود. این کتاب مشتمل بر ۱۲۴ صفحه است در تهران، ۱۳۲۷ با حروف سربی و در قطع رقیعی به چاپ رسیده

این موضوع به صورتی ملموس در کتاب بیان شده است. شایان ذکر است که شاه‌گل‌دیان از بدو تولد نابینا نبوده و به گفته خودش در کودکی چشم درد می‌گیرد و پزشکی با ریختن داروی اشتباهی در چشمش باعث نابینایی او می‌شود، اما از آنجا که این اتفاق در چند ماهگی او افتاده، تجارب او از ندیدن، مانند آنانی است که از مادر، نابینا متولد می‌شوند.

از آنجا که خانم شاه‌گل‌دیان متولد سال ۱۹۲۷ میلادی بود و در روستای کوچک و به دور از هر گونه امکاناتی زندگی می‌کرد، بدیهی است از درس و تحصیل و حتی اینکه نابینایان هم می‌توانند باسواد شوند کاملاً بی‌خبر بماند. شرح چگونگی آشنایی او با مدارس مخصوص افراد نابینا که بخش دیگری از این کتاب را شامل می‌شود بسیار خواندنی است. نکاتار درس و مطالعه را خیلی دیرتر از هر کسی که فکرش را بکنید یعنی در حدود بیست و هشت سالگی آغاز کرد و از آنجا بود که مسیر زندگی‌اش دستخوش تغییرات شگرفی شد. از مهم‌ترین عواملی که نویسنده در رسیدنش به موفقیت در جای جای کتاب بر آنها تأکید می‌ورزد وجود حامیانی دلسوز در کنارش است؛ افرادی مثل خواهر و نیز دختر عمه‌اش که در زندگی او نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند.

به طور کلی این اثر بدون تقسیم‌بندی‌های رایج و بخش‌بندی‌های مرسوم از کودکی تا حدود پنجاه سالگی نویسنده را به شکل پراکنده و نامنظمی روایت می‌کند.

کتاب *نوری در تاریکی* نه تنها حاوی نکات ارزنده‌ای در جهت آشنایی افراد بینا با چالش‌های موجود در زندگی نابینایان است؛ بلکه برای خود این افراد هم در بردارنده راهکارهایی است برای مستقل شدن و چگونگی مقابله با افسردگی و انزوایی که ممکن است برای هر کدام از آنان به علت نابینایی پیش آید. در نهایت هم نویسنده به چند پرسش که معمولاً افراد بینا از نابینایان می‌پرسند، با زبان خاص خودش که حالتی مادرانه و مهربان دارد، پاسخ گفته است.

است. (مجله یادگار، ش ۸ و ۹، سال ۵، ص ۱۶۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۱، ص ۳۹۱)»

پس از آن پیگیری کردم تا بالاخره کتاب اثری از بی‌بصری را پیدا کردم. فقط یک نسخه چاپی در کتابخانه مجلس بود که در سال ۱۳۲۷ چاپ شده است. آقای باقری بیدهندی از دو منبع یعنی مجله یادگار و کتابی از خان بابا مُشار به نام مؤلفین کتب چاپی استفاده کرده، اینها را هم یافتیم و به مرور اطلاعاتم را کامل‌تر کردم. البته هنوز درباره احمد رضا ابهامات و مجهولاتم زیاد است. از خانواده ایشان، هنوز کسی را پیدا نکرده‌ام که مرا راهنمایی کند.

وقتی احمد رضا را با نابینایان اروپا و آمریکا مقایسه می‌کنیم و می‌بینیم دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی از شخصیت‌های دارای معلولیت استفاده‌های سودمندی کرده، از آنان الگوهای مؤثر ساخته، درباره آنان ده‌ها و صدها کتاب، فیلم، مقاله، مجسمه و غیره آماده و در جامعه پخش کرده‌اند. در فرهنگ‌سازی، هویت بخشی، تربیت فکری و رشد اخلاقی، جامعه‌سازی و جامعه‌پذیری از چنین اشخاصی استفاده کرده‌اند، واقعاً متأسف و ناراحت می‌شویم که چنین سرمایه‌های بزرگ را رها کرده و از آنها غفلت نموده‌ایم. همان طور که اگر از سرمایه‌های اقتصادی و مخازن طلا و معادن گران قیمت غفلت شود و از این سرمایه‌ها درست استفاده نگرده، فقر و فلاکت به سراغ جامعه خواهد آمد به علاوه دیگران به غارت و استثمار خواهند پرداخت، عدم توجه به سرمایه‌های انسانی هم زمینه ساز فقر فرهنگی، مشکلات فکری و اخلاقی در جامعه می‌گردد.

احمد رضا در تاریخ نابینایی ایران پدیده قابل توجه و موضوعی است که ارزش مطالعه و پژوهش دارد. هر مقطع از دوران عمرش را نگاه کنیم حتی دوره کودکی، رخدادهای درس‌آموز می‌یابیم. مدیران مراکز فرهنگی و اجتماعی و مسئولان مؤسسه‌های معلولان در اروپا و آمریکا کسانی چون هلن کلر را به عنوان نمونه و الگو

مطرح و برجسته‌سازی کرده‌اند. ده‌ها فیلم و سریال، صدها مقاله و کتاب و اقدامات فراوان هنری و علمی دیگر درباره چنین شخصیت‌هایی آماده و در جامعه در دسترس عموم قرار داده‌اند. آنان نابینایان، ناشنوایان و دیگر معلولان چون هلن کلر، پیر هنری و لویی بریل را به عنوان افتخار ملی معرفی کرده‌اند.

این فعالیت‌های مطالعاتی، علمی و هنری را در اختیار مدیران، مربیان، تصمیم‌سازان و حتی دانش‌آموزان گذاشتند و همین‌ها پایه و مبنای پیشرفت‌های بعدی شد و سیر رشد و تکامل در آموزش و پرورش، روابط اجتماعی و غیره را فراهم آورد.

متأسفانه تاکنون هیچ شخصیت معلولی در ایران، الگو سازی و چهره‌سازی نشده، پیرامون او بحث و بررسی و اقدامات ترویجی نکرده‌ایم. به همین دلیل نوجوانان و جوانان دارای معلولیت ایرانی، علقه و پیوندی با شخصیت‌ها و فرهنگ‌سازان جامعه خودشان ندارند. ناشنوایان دورادور و اجماً درباره جبار باغچه‌بان مطالبی می‌دانند و ارتباطی با او برقرار می‌کنند؛ یا نابینایان با محمد خزائلی. اما این علاقه‌ها، تبدیل به پیوندهای سازنده، عمیق، معنوی و عاطفی نشده زیرا در این زمینه، بسته‌های فرهنگی که در ذهن افراد مؤثر باشد، زندگی آنان را تحت تأثیر قرار دهد، به آنان گرما، معنای زندگی و تحرک و امید بیخشد، ارائه نکرده‌ایم؛ به عبارت دیگر دستگاه‌های آموزشی و نهادهای فرهنگی در راستای الگو سازی و تبدیل شخصیت‌ها به چهره‌های حرکت آفرین، وظیفه خود را به خوبی انجام نداده‌اند.

اما چرا تاکنون این شخصیت‌های خودی در داخل و خارج مطرح نشده‌اند؟ یکی از دلایل مهم که پس از تحقیق به دست آوردم، عدم توجه دایره‌المعارف‌ها و کلاً مراجع (آثار مرجع) به اینها است. برای نمونه ویکی‌پدیا در بخش فارسی به ندرت به موضوعات و شخصیت‌های دارای معلولیت پرداخته است. ویکی‌پدیا دانشنامه آنلاین و جهانی است که توانسته انقلابی در دنیا ایجاد کند.

از نظر ارزش علمی و کیفیت، این سه اثر جمع‌آوری مطالب موجود است و پژوهش علمی و جامع نمی‌باشند. اما انعکاس محمد خزائلی در منابع مرجع فارسی ایرانی هم خیلی مطلوب نیست. دو دایرةالمعارف مهم یعنی *دانشنامه جهان اسلام* و *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* مدخل محمد خزائلی ندارند. *دانشنامه دانش‌گستر*، مقاله بسیار کوتاه در ۵۰ سطر نوشت (جلد ۷، ص ۲۹۸).

یکی از تخصص‌های خزائلی، علوم قرآن بوده و به همین دلیل در *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی* (از بهاء‌الدین خرمشاهی) زندگی‌نامه تفصیلی‌تر از او ارائه کرده (جلد اول، ص ۹۸۶). *اخیراً دایرةالمعارف نایب‌نایب و نایب‌نایبان*، علاوه بر خود مرحوم خزائلی، مقالات دیگری درباره فرزندان، آثار، مؤسسات او دارد و مفصل‌تر به او پرداخته است.

محمد خزائلی، چندین کتاب دارد که سال‌هاست مرجع پژوهشگران و حتی متن درسی در دانشگاه بوده مثل *اعلام القرآن* یا *شرح بوستان*، نماینده مجلس شورای ملی بوده و خدمات بسیار در آن دوره انجام داده؛ استاد دانشگاه بوده، دو دکتر در رشته‌های ادبیات و حقوق داشته، چندین آموزشگاه و مدرسه برای نایب‌نایبان تأسیس کرد؛ و خدمات و فعالیت‌هایش در حدی هست که بتوان او را یکی از چهره‌های فرهنگی و اجتماعی دانست. البته نایب‌نایب هم بوده و شاید مثل بسیاری از شخصیت‌های نایب‌نایب دیگر مورد غفلت قرار گرفته است. البته ایشان یک نمونه از صدها است و خواستم اثبات کنم به چهره‌های ایرانی دارای معلولیت بی‌توجهی فاحش شده و تبعیض تألم‌آوری وجود دارد. اگر خزائلی در یک کشور اروپایی بود حتماً درباره او ده‌ها فیلم و کتاب و دیگر آثار فرهنگی ارائه شده بود؛ اما چرا به او توجه جدی نشده، چون در رفرنس‌ها و مراجع داخلی و خارجی مطرح نشده است.

باز به عنوان نمونه یکی از شخصیت‌های نایب‌نایب غربی یعنی هلن کلر را از نظر «درباره نگاری» معرفی می‌کنم:

دایرةالمعارف‌ها سرچشمه هستند و با درج مقالات درباره شخصیت‌ها، زمینه‌ساز توجه به آنان و سپس الگوسازی می‌شوند.

ضرورت الگوسازی

یکی از شخصیت‌هایی که در دوره جدید در ایران درخشیده و مبتکر و نوآور بوده احمد رضا است. حداقل سه کتاب باقیمانده از او نشان دهنده تلاش‌ها و اقدامات و نیز افکار و شخصیت اوست. این سه کتاب به همت خودش در یک مجموعه با عنوان *اثری از بی‌بصری* در سال ۱۳۲۷ در تهران منتشر شده و در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ تصحیح و در سه عنوان *زندگی‌نامه خودنوشت احمد رضا؛ جامعه و نایب‌نایبان* و *سوم مشکل‌گشایی: کتابی در حل مشکلات معلولان* منتشر شده است.

در مقالات دیگر به زندگی‌نامه و جنبه‌هایی از فعالیت‌هایش پرداخته‌ام و در این مقاله فقط بر الگوسازی از احمد رضا تأکید می‌نمایم.

شخصیت‌های نایب‌نایب فرهیخته بسیار در تاریخ بوده‌اند؛ در دوره جدید همچنین افرادی را داشته‌ایم ولی هیچ شخصیت نایب‌نایب ایران فیلم و سریال نشده است. همچنین تاکنون شنیده نشده نهادهای فرهنگی - هنری اقداماتی جهت الگوسازی از این شخصیت‌ها انجام داده باشند. مهم‌ترین شخصیت نایب‌نایب و فرهیخته در این دوره، دکتر محمد خزائلی است. هیچ فیلمی درباره ایشان نداریم. سه کتاب تاکنون درباره ایشان در ایران منتشر شده:

- دکتر محمد خزائلی *قانون‌گذار روش‌اندل*، قدرت الله عفتی، زیر نظر محمد نوری، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱

- آشنایی با مفاخر؛ دکتر محمد خزائلی، حسین سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰

- شب محمد خزائلی، مجله بخارا، دی ماه ۱۴۰۰ (مجموعه سخنرانی)

و نفوذ فرهنگی و سیطره اجتماعی - اقتصادی را فراهم ساخته‌اند.

حداقل یکی از علل توجه به هلن کلر، اهتمام دایرةالمعارف‌ها و کلاً منابع مرجع به اوست. حتی مراجع ایرانی مثل *دانشنامه دانش‌گستر* مقاله بلندتری نسبت به محمد خزائلی، به او اختصاص داده است.

نقش دایرةالمعارف و دیگر آثار مرجع

دایرةالمعارف نایبایی و نایبانیان امسال در ایران منتشر شد، کتابی مرجع با حدود شش هزار مقاله در سه جلد که با همت و اهتمام گروهی از فرهنگ دوستان ایرانی و فارسی زبان تدوین و منتشر شد. ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۳ جشن رونمایی هم برگزار شد.

دایرةالمعارف گونه‌ای از کتاب است که به لحاظ ویژگی‌هایی مثل استحکام علمی و تسهیل اطلاع‌رسانی، فرایند فرهنگ‌سازی و معرفی فرهیختگان و ترویج چهره‌های ملی را می‌تواند به خوبی اجرایی کند. در واقع دایرةالمعارف مثل رسانه عمل می‌کند و در ذهن میلیون‌ها کاربر می‌تواند مؤثر باشد.

البته نشریات چون *ماهنامه نسل مانا* و آثار مرجع دیگر نظیر کتابشناسی‌ها هم می‌توانند چنین رسالتی را انجام دهند. مهم این است این‌گونه آثار در بیرون کشور، حداقل در کشورهای فارسی زبان ترویج، تبلیغ و منتشر گردد. مدیران فرهنگی کشور و مسئولان نهادهای معلولان می‌توانند هر اثر مرجعی که در ایران در زمینه نایبانیان منتشر می‌شود، برای کتابخانه‌های ملی تاجیکستان و افغانستان و نیز برای کتابخانه‌های نایبانیان این دو کشور هم بفرستند. البته از کتابخانه‌های دانشگاهی هم نباید غفلت کرد. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد، نهاد کتابخانه‌های عمومی و سازمان فرهنگ و ارتباطات با همکاری وزارت امور خارجه حداقل *دایرةالمعارف نایبایی و نایبانیان* را برای مراکز کتابخانه‌ای کشورهای فارسی زبان ارسال کند.

کتابشناسی مستندی درباره او در سال ۱۳۹۹ در اینترنت به زبان انگلیسی منتشر شده که گویای این اطلاعات است:

۱- ۷۷ کتاب بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۲۱ (یعنی ۵۶ سال) درباره هلن کلر به زبان انگلیسی منتشر شده. یعنی هر سال بیش از یک کتاب درباره او منتشر شده است.

۲- پنج فیلم مشهور درباره او ساخته شده، آن هم با شرکت هنرمندان سرشناس. این فیلم‌ها به زبان‌های مختلف و در کشورهای بسیار روی پرده رفته، از جمله در ایران.

۳- در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۹ (یعنی ۴۶ سال)، ۵۶ کتاب به فارسی و در ایران درباره هلن کلر منتشر شده. ۵۴ کتاب ترجمه از زبان انگلیسی و دو کتاب تألیف است.

این حجم انبوه ترجمه درباره یک شخصیت نشانگر نکاتی است:

- اقدامات متصدیان امور فرهنگی معلولان در اروپا در زمینه ترویج شخصیت‌های مطلوب خودشان و الگوسازی از آنها، موفقیت و پیشرفت داشته است. حتی در کشورهای دیگر جهان توانسته‌اند، الگوهای مورد نظر خود را به گونه‌ای مطرح کنند که با استقبال فراوان همراه گردد. ولی آیا ایران توانسته یکی از شخصیت‌های موفق خود در حوزه معلولان در دیگر کشورها مطرح کند؟ پاسخ حتماً منفی است.

- بُرد فرهنگی یا نفوذ فرهنگی در ایران یا خارج، گونه‌ای از کارآیی و جذابیت فرهنگ ملی است. با شعار نمی‌توان مدعی برتری فرهنگی باشیم و بگوییم از نظر فرهنگی در جهان سرآمد هستیم در حالی که شاخص‌های عینی و واقعی نه تنها برتری را نشان نمی‌دهد بلکه افول و سقوط را نشان می‌دهد.

- اروپا و آمریکا با برجسته‌سازی شخصیت‌های نایبانی خودشان و فرهنگ‌سازی در این زمینه، زمینه‌های حضور

کنید *دایرةالمعارف نایبناپی و نایبناپان* در کتابخانه کنگره آمریکا باشد هر روز هزاران مراجعه کننده، حتماً بعضی اطلاعات درباره ایران، نایبناپی، نشریات یا شخصیت‌های نایبنا و موضوعات این چینی می‌خواهند. اگر هر روز، ده کاربر به سمت این دایرةالمعارف راهنمایی شود، به دلیل اینکه این ده نفر بعضاً استاد، نویسنده، خبرنگار هستند، سرآغاز اطلاع‌رسانی مضاعف خواهد شد و سالانه هزاران خواهان به سمت موضوعات مورد نظر جهت پیدا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد کشف این مجهول است که چرا شخصیت‌های دارای معلولیت همواره در ایران گمنام ماندند ولی چنین افرادی در غرب به عنوان الگو مطرح شده و درباره آنها، هنرمندان، پژوهشگران و نویسندگان، آثار بسیاری ارائه کردند؟ پس از بررسی چند نمونه متوجه شدم، یک دلیل آن عدم توجه دایرةالمعارف‌ها و کلاً آثار مرجع به این شخصیت‌ها در ایران است. برعکس در غرب رفرنس‌ها به آنان اهتمام ویژه نموده‌اند.

احمد رضا نمونه‌ای است که متعلق به چند دهه قبل است و فاصله زمانی چندانی با ما ندارد و از طرف دیگر در تهران زندگی می‌کرده، یعنی در دهات دور دست نبوده؛ ولی درباره او سکوت و بی‌خبری است. یک علت آن عدم توجه رفرنس‌های ایرانی و خارجی به اوست.

انتشار *دایرةالمعارف نایبناپی و نایبناپان* می‌تواند تا حدی این مشکل را در جامعه نایبناپان مرتفع کند؛ اما برای حل کامل این مشکل لازم است انواع آثار مرجع به فراوانی تولید و عرضه شود.

در پایان امیدوارم مثل گذشته چنین فرصت‌های بی‌نظیر از بین نرود و مسئولان متوجه وظایف خود باشند.

البته از مدیران محترم توقع افزون‌تر هست، اگر این اثر را برای کتابخانه‌های مهم جهان به ویژه در اروپا و آمریکا هم ارسال کنند، می‌توانند اثبات‌گر نجبگی و پیشرفتگی فرهنگی ایران باشند. به ویژه برای کتابخانه کنگره آمریکا، کتابخانه دانشکده سواس لندن، کتابخانه و موزه ملی لندن، کتابخانه ملی فرانسه و کتابخانه ملی برلین.

البته قبل از ارسال حتماً چند اقدام باید انجام گیرد.

- عنوان انگلیسی در پشت جلد بیاید.

- مقدمه جامع به زبان انگلیسی در پایان کتاب بیاید.

- شناسنامه و اطلاعات کامل کتاب به زبان انگلیسی در آخر کتاب بیاید.

چنین اقداماتی، پیامدها و تأثیرات فراوان خواهد داشت که به برخی اشاره می‌کنم:

- بستر ارتباطات سازنده را فراهم می‌آورد؛ رشد و پیشرفت نایبناپان خودمان در گرو روابط آنها با جهان است. این‌گونه داد و ستدها مشروط به اینکه دائماً پیگیری گردد، می‌تواند زمینه ساز گسترش روابط سازنده شود.

- جهان به سرعت رو به پیشرفت است، انواع فناوری‌های مورد نیاز نایبناپان هم هر روز چند گام جلوتر است. دریافت دستاوردهای مدرن وقتی تحقق پیدا می‌کند که آنان از وضع نایبناپان ایران باخبر شوند، متوجه شوند در ایران شخصیت‌های بزرگ، مدارس و مراکز قابل توجه، تحصیل کرده‌های نایبنا، نشریات پیشرفته جریان دارند.

پس از این، شروع به ارتباط‌گیری و ارسال فناوری‌های خود می‌کنند. ارسال *دایرةالمعارف نایبناپی و نایبناپان* در واقع خبررسانی و آغازگر روابط سازنده است. در واقع دایرةالمعارف مثل یک رسانه عمل می‌کند. به طوری که هر جا باشد، محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصور

آگهی

فروش ویدئو مگنیفایر (درشت نمای الکترونیک) کاملاً نو

یک دستگاه ویدئو مگنیفایر (درشت نمای الکترونیک) به فروش می‌رسد. این دستگاه کاملاً نو و در شرایط عالی است.

ویژگی‌ها و امکانات:

۱. درشت نمایی تا ۴۸ برابر - مناسب برای مشاهده جزئیات کوچک

۲. صفحه نمایش ۵ اینچی با کیفیت Full HD - تصاویر واضح و شفاف

۳. قابلیت ذخیره فیلم و عکس - امکان ثبت لحظات مهم

۴. چند حالت نمایش - متناسب با نیازهای بصری هر کاربر

۵. دستگاه ساخت کشور چین - با کیفیت بالا محصولی از شرکت زومکس

۶. منوی گویای فارسی - کاربری آسان و راحت

۷. دارای شش ماه گارانتی تعویض

قیمت: ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان (بیست و پنج میلیون تومان)

برای اطلاعات بیشتر و خرید، با آقای سلیمی تماس بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۲۱۷۳۸۳۵۱۶



دعوت‌نامه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت اول انجمن نایبانیان ایران

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای پیوسته انجمن نایبانیان ایران به شماره ثبت ۷۹۸۴ می‌رساند که مجمع عمومی فوق‌العاده این انجمن در روز یکشنبه ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ رأس ساعت ۹ صبح در محل دفتر مرکزی انجمن نایبانیان ایران به نشانی تهران، خیابان درّوس، کوچه حسن تاش، پلاک ۱۴ برگزار می‌شود.

به همراه داشتن کارت ملی و کارت عضویت انجمن ضروری است.

برای کسب اطلاعات بیشتر یا درخواست کاندیداتوری برای انتخابات هیئت مدیره یا بازرسی تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۷ با تلفن‌های ۰۲۱۲۲۵۶۰۲۵۵ و ۰۶۱-۰۲۱۲۲۵۶۰۰۶۰ دفتر مرکزی انجمن نایبانیان ایران تماس حاصل فرمایید.

هیئت مدیره انجمن نایبانیان ایران.



**Australian
Aid**



بانک مسکن



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶